

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

پاسخ‌های فقهی

(مسائل متفرقه - جلد ۳)

پاسخ‌های وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم:

علا سالم

مترجم:

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های فقهی (مسائل متفرقه - جلد ۳)
نویسنده	احمد الحسن <small>رحمته الله</small>
گردآوری و تنظیم	علا سالم
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>رحمته الله</small>
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۳۹۶
کد کتاب	۱/۱۳۰
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك

سید احمد الحسن رحمته الله به تارنماهای زیر مراجعه نماید .

www.almahdyoon.co/ir

www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۱۱ طهارت
- ۲۰ نماز
- ۳۶ روزه
- ۳۷ خمس
- ۴۰ حج
- ۴۳ نذر و عهد
- ۴۴ خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها
- ۴۷ تجارت و معاملات
- ۵۲ بیت‌المال و امور مالی
- ۶۰ پرسش‌های مربوط به اموات
- ۶۲ ارث
- ۶۴ احکام عمومی مردان و زنان
- ۶۷ پرسش‌های مربوط به بانوان
- ۷۴ ازدواج دائم و موقت
- ۸۸ طلاق
- ۹۳ پرسش‌های مربوط به خانواده ولیّ امر
- ۹۴ تربیت کودکان

۹۷ برخورد با مخالفان

۱۰۰ موارد متفرقه

پاسخ‌های فقهی

(مسائل متفرقه – جلد ۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَئِمَّةِ وَالْمُهْدِيِّينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

این کتاب شامل ۱۵۶ پرسشی است که به طور معمول بیش تر مردم مبتلا به شان هستند؛ پرسش هایی که در رابطه با احکام فقهی مختلف به سید احمد الحسن علیه السلام ارائه شده و مضمون بیش ترشان در صفحهٔ ارتباطی سایت انصارالله مطرح شده است؛ از آنجا که این ها پرسش های مهمی هستند، مدون کردن این پاسخ ها و گنجاندن آن ها در این کتاب بسیار مفید می باشد. برای وضوح و دسته بندی بهتر قدری مرتب سازی بر روی این پرسش ها انجام داده ام.

از خدای سبحان مسألت دارم و امیدوارم که برای بر پا شدن دین و حاکمیتش شمارا در زمینش تمکین دهد.

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.

۵ ذی القعدة ۱۴۳۴^(۱) ه ق

علا

طهارت

پرسش ۱:

آیا پوششی که روی موی سر قرار داده می‌شود حین مسح سر در وضو مانع رسیدن آب می‌شود؟

پاسخ:

هر جسمی که پس از قرار گرفتن در محل خود دارای جرم ظاهری باشد، یعنی پیدا و آشکار بماند به گونه‌ای که آن قسمت از بدن را که روی آن قرار گرفته است بپوشاند مثل موم- عایق و پوششی محسوب می‌شود که مانع رسیدن آب به بدن یا مو- اگر روی آن قرار گرفته باشد- می‌شود؛ اما معمولاً چیزی که روی موی سر قرار می‌گیرد همه آن را نمی‌پوشاند و قسمت‌هایی از مو یا پوست سر برهنه می‌ماند و آب می‌تواند به آن قسمت‌ها برسد؛ همین مقدار برای مسح سر در وضو کفایت می‌کند. اما در خصوص جسمی (پوششی) که شما پرسیدی باید مشخص کنی این ماده‌ای که استفاده می‌کنی جرم دارد یا بدن آن را جذب می‌کند به گونه‌ای که دیگر حجاب و پوششی که مو پوست سر را بپوشاند محسوب نمی‌شود. اگر به مرور جذب شود، پوشش و عایق محسوب نمی‌شود و اگر همانند لایه‌ای باشد که مو پوست را می‌پوشاند، در این صورت اگر قسمت‌هایی از سر و پوست هرچند به صورت قطعه‌قطعه و تگه-تگه- برهنه مانده باشد رسیدن آب به آن‌ها برای مسح در وضو کفایت می‌کند، اما اگر عایق باشد و همه مو پوست سر را بپوشاند، در این صورت چاره‌ای جز برطرف کردن آن عایق برای صورت پذیرفتن مسح وجود ندارد.

پرسش ۲:

آیا منظور از دو برجستگی پا، بالاترین نقطه روی پا است یا دو برجستگی دو طرف پا؟

پاسخ:

دو برجستگی در بالاترین نقطه دو پا می‌باشند.

پرسش ۳:

در نتیجه عملیات جراحی پیشگیری، لوله دفع منی در آلت قطع گردید به طوری که هنگام ممارست جنسی پرتاب منی صورت نمی‌گیرد و فقط انزال منی به بیضه‌ها انجام می‌شود. هنگام نزدیکی یا احتلام، حکم واجب بودن یا نبودن غسل، چگونه است؟

پاسخ:

در صورت انجام نزدیکی، در هر دو حالت، غسل بر شما واجب است اما در حالت غیر جماع اگر سستی و شهوت وجود داشته باشد، غسل بر شما واجب می‌گردد.

پرسش ۴:

حکم زنی که مُحْتَلَم شده، نشسته و در لباسش چیزی دیده، ولی نمی‌داند همان ترشحاتی است که معمولاً از او خارج می‌شود یا مایعی است که در اثر احتلام جاری شده چیست؟ با علم به اینکه هنگام ادرار چیزی از او خارج نشده است.

پاسخ:

پیش تر کیفیت بیرون آمدن منی از زن (امناء) که غسل را واجب می کند بیان گردید، ولی اگر زن مُحْتَلَم شود وجود نشانه‌ای بر سرازیر شدن مایعی روان به سمت فرج کفایت می کند؛ بنابراین اگر چیزی در لباسش یافت که می توانست در اثر مُحْتَلَم شدن باشد، ترجیح برتر آن است که آن چیز همان مایع سیال سرازیر شده در اثر احتلام است که با وجود آن غسل بر او واجب می شود، مگر اینکه علم یا شک به خلاف آن داشته باشد.

این ها پاسخ‌هایی است که پیش تر بیان شده است، که چه هنگام غسل واجب و چگونه این حالت (امنا) تشخیص داده می شود:

پرسش ۱۸:

وَدَى، و دى و مَدَى که از مرد بیرون می آید وضویش را باطل نمی کند، ولی آنچه از زن هنگام بازی و نوازش کردن شوهرش بیرون می آید آیا وضو را باطل می کند یا با بیرون آمدن آن، غسل بر زن واجب می شود؟

پاسخ:

اگر منی از زن بیرون بیاید غسل می کند، اما آنچه هنگام بازی و نوازش کردن همسرش از او بیرون می آید وضو را باطل و غسل را بر او واجب نمی کند، مگر آنکه همراه با لرزش یا شهوت جنسی باشد.

پرسش ۶۰:

بیرون ریختن منیِ مرد (امنا) روشن است؛ امنای زن چگونه است؟

پاسخ:

امنا در زن به دو صورت محقق می‌شود: ۱- غالب شدن شهوت جنسی یا رَخَوْت و سستی و لرزش در بدن، ۲- سرازیر شدن مایع روان به فرج.^(۱)

پرسش ۵:

زنی با عادت ماهیانه مضطربه همراه بیشتر از بیست روز خون می‌بیند؛ در روزهای نخستین تنها چند قطره خون است و این وضعیت بیش از ده روز ادامه دارد، پس از آن خون شدت پیدا می‌کند و این حالت نیز بیش از ده روز ادامه می‌یابد و گاهی به یک ماه هم می‌رسد. آیا عادت روزهای نخستین معتبر است یا عادت روزهای پایانی؟ او در این وضعیتی چه کار کند؟

پاسخ:

شروع روزهای عادتش را هنگام شدت یافتن خروج خون قرار دهد و تعداد روزهای عادتش را همانند روزهای عادت زنان (نزدیکانش) محاسبه کند. البته اگر همه در عادت به یک شکل هستند- و اگر باهم اختلاف داشتند هفت روز را ایام عادت خود محاسبه کند و بقیه ایامی که خون از او خارج می‌شود- خواه

پیش از روزهای حیض باشد یا پس از آن- استحاضه به حساب می‌آورد. تفصیل احکام آن را پیش‌تر بیان کردم، می‌توان به کتاب شرایع مراجعه نمود.

پرسش ۶:

به علت حالات بیماریِ مشخصی که برای زن باردار وجود دارد، از رَحْمَشِ مایعی روان به یک‌باره بیرون می‌ریزد. این مایع غالباً همان مایعی است که در اطراف جنین در داخل رحم وجود دارد و یک‌مرتبه در پایان ماه هفتم و بار دوم در وسط ماه هشتم بارداری بیرون می‌ریزد. پرسش: حکم این مایع از نظر پاک یا نجس بودن چیست؟

پاسخ:

پاک است.

پرسش ۷:

آیا استمنا بدون وارد کردن در یک شیء سفت و محکم حرام است؟ منظورم فقط سطحی است، حتی اگر نیت، جلوگیری از وقوع در حرام باشد؟ و آیا پس از آن غسل واجب می‌شود؟

پاسخ:

استمنا شرعاً حرام است ولی اگر بخواهید آن را با ارتکاب فاحشه زنا العیاذ بالله- قیاس کنید، حرمت زنا بیشتر و شدیدتر است؛ چراکه از گناهان کبیره می‌باشد. اینکه شخصی گمان کند به وسیله استمنا می‌خواهد از زنا دور بماند باعث حلال شدن استمنا نمی‌شود.

بر کسی که منی از او خارج شود (منی با جستن و با شهوت از او خارج

گردد) غسل جنابت واجب است. همچنین اگر از زن نیز منی خارج شود غسل بر او واجب می‌گردد. این مطلب را در کتاب شرایع بیان داشته‌ام.

پرسش ۸:

حکم کسی که نمی‌دانیم بر چه دینی است یا نمی‌دانیم بر دینی هست یا نه از نظر نجس یا پاک بودن- چیست؟ با توجه به اینکه من در کشوری اقامت دارم که بیشتر آنان بی‌دین یا بودائی هستند؛ عده‌ای نیز مسیحی هستند ولی نسبت آن‌ها در برابر بی‌دین‌ها بسیار اندک است.

پاسخ:

وقتی وضعیت بیشترشان به این صورت است (بی‌دین یا بودائی هستند) کسی که وضعیتش ناشناخته است جزو گروه اکثریت به شمار می‌آید تا وقتی که وضعیتش مشخص شود. این حکم از نظر نجس یا پاک بودن برای آنچه به غذا، نماز و سایر موارد مربوط می‌شود، می‌باشد؛ اما شما با احسان و نیکوکاری با مردم رفتار کنید؛ چراکه اخلاق پاک و طیبه، سفیر شما در میان مردم است تا حق را به آنان بشناساند.

پرسش ۹:

ما در دولت‌های بیگانه که در آن‌ها کفار و غیر کفار وجود دارند زندگی می‌کنیم. ما در منازل این دولت‌ها سکونت داریم و در هر دوره‌ای از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر نقل مکان می‌کنیم. آیا این خانه‌ها را پاک فرض بگیریم یا نه؟ از نظر استفاده از برخی از ظرف‌های موجود در این خانه‌ها یا تماس بدن با درها و یا چیزهای دیگر.

پاسخ:

این خانه‌ها پاک شمرده می‌شوند مگر جاهایی که با رطوبت تماس داشته باشند مثل حمام‌ها. که اگر عین نجس در آن‌ها نباشد منتجس محسوب می‌شوند. شایان ذکر است که مُتَجَسَّس غیر از خودش را نجس نمی‌کند، حتی اگر آن را به صورت مرطوب لمس کند.

پرسش ۱۰:

فهمیده‌ام که برخی کشورهای اروپایی آب‌های بازیافتی را به آب شرب تبدیل می‌کنند. آیا نوشیدن و استفاده از این آب‌ها جایز است؟ با توجه به اینکه بعضی از انصار در این کشورها زندگی می‌کنند.

پاسخ:

تبدیل آب‌های بازیافتی به آب شرب جایز است و در استفاده از این آب‌ها پس از تبدیلبشان اشکالی وجود ندارد.

پرسش ۱۱:

حکم یخی که توسط سگ لیسیده شده باشد چیست؟ آیا نجس شمرده می‌شود یا پاک؟ و اگر نجس باشد به چه صورتی پاک می‌شود؟

پاسخ:

اگر منظور شما این باشد که سگ آب دهانش را بر روی یخ به جا گذاشته است، پاک شدن یخ با شستن آن با آب امکان‌پذیر می‌باشد. در تطهیر آن، علم به اینکه باقی‌مانده‌های آب دهان سگ از روی یخ شسته شده است کفایت می‌کند؛ یعنی یک‌بار شستن آن برای برطرف شدن نجاست و دو بار آب کشیدن

پس از آن کفایت می‌کند.

پرسش ۱۲:

عبارتی که در کتاب شرایع آمده است: (طهارت با آبی که به وسیلهٔ تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد مکروه است). آیا منظور از این عبارت، تعمّد در گرم کردن آب با تابش خورشید است یا این حکم برای هر آبی است که در برابر خورشید قرار گرفته باشد؛ مانند آب گرم کن‌های خورشیدی که بر بام خانه‌ها قرار دارند؟

پاسخ:

منظور از (طهارت با آبی که به وسیلهٔ تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد مکروه است) این است که آب به وسیلهٔ تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد؛ بنابراین اگر آب پوشیده باشد کراهتی در آن نخواهد بود، حتی اگر به عمد با تابش خورشید گرم شده باشد.

پرسش ۱۳:

آیا می‌توان به جای ریختن کاغذهایی که آیات قرآنی یا نام یکی از اولیای الهی - که نجس کردنشان حرام است - بر آن‌ها نوشته شده در آب رودخانه‌ها، آن‌ها را به صنایع بازیافت کاغذ بازگرداند؟

پاسخ:

اگر دانسته شود که این نوشته‌ها طی فرآیند بازیافت به هیچ وجه نجس نمی‌شوند، می‌توان فرستاد.

پرسش ۱۴:

آیا می‌توان کاغذهایی که رویشان بسمله یا آیه قرآن نوشته شده است را به جهت حفظ کردنشان از نجس نشدن سوزاند؟

پاسخ:

سوزاندن کاغذهایی که قرآن یا بسمله رویشان نوشته شده است، جایز نیست و جایز است در آب پاک افکنده شوند.

پرسش ۱۵:

آیا سوزاندن قرآن کریم یا کتاب‌هایی که اسم‌های جلاله خدا (الله) یا اسم‌های پیامبر و اهل بیت گران قدرش (علیهم السلام) را در بردارد، به دلیل کهنه شدن و از بین رفتن کتاب ورق‌ورق شدنش جایز است؟ یا غیر از سوزاندن به جهت گرمی داشت اسم‌های خدا و محمد و آل پاک محمد (علیهم السلام) راه دیگری وجود دارد؟

پاسخ:

سوزاندن جایز نیست و باید در آب پاک مثل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها- افکنده شود.

پرسش ۱۶:

پرسش من درباره ستاره شش‌پر است: آیا همراه داشتن آن هنگام ورود به حمام و سرویس‌های بهداشتی جایز است؟

پاسخ:

جایز است.

نماز

پرسش ۱۷:

حکم کسی که در انجام دادن اعمال عبادی به‌ویژه نمازهای واجب-سُستی و تنبلی می‌کند چیست؟ یمانی موعود (علیه‌السلام) برای انصار در خصوص اعمال عبادی به‌ویژه واجبات- چه نصیحتی دارند؟ و آیا برای این عادت‌ی که گریبان‌گیر بسیاری از مردم است راه‌حلی وجود دارد؟

پاسخ:

حکم او این است که استغفار کند، بسیار استغفار کند؛ و راه‌حل، یاد خدا است؛ به عنوان مثال تسبیحی به دست گیرد و هر وقت زمان به او اجازه داد استغفار کند و بگوید: «استغفرالله» یا خدا را ستایش کند و بگوید: «الحمدالله» یا هر ذکر که خواست بگوید، و با بسیار شدن ذکر ان‌شاءالله قلبش برای به‌جا آوردن نماز متمایل می‌شود؛ به‌علاوه نماز جماعت و گردآمدن با مؤمنان از فراخوان‌های توجّه به عبادت و نماز هستند.

پرسش ۱۸:

بسیاری مواقع دو واجب با هم تعارض پیدا می‌کنند؛ مثل مادری کردن نظیر آرام کردن، شیر دادن و توجه به کودک- و محافظت بر نماز اول وقت. گاهی زن در تنگنای زمانی میان برآوردن نیازهای کودک شیرخوارش و به‌جا آوردن فریضه واجب در اول وقتش قرار می‌گیرد، در این صورت این زن چه باید بکند و کدام‌یک را پیش اندازد؟

پاسخ:

کسی که چیزی را می‌خواهد خود را برای به دست آوردنش مهیا می‌کند؛ بنابراین اگر زنی بخواهد به‌عنوان مثال نماز ظهر را در اول وقتش به‌جا آورد و ترس آن دارد که کودک شیرخوارش همان موقع از او شیر بخواهد، می‌تواند به‌عنوان مثال نیم‌ساعت پیش از داخل شدن به وقت نماز بچه را شیر بدهد، و به همین ترتیب سایر موارد (را مدیریت کند)؛ اما در صورتی که تعارضی پیش آید، ابتدا باید کودک شیرخوارش را آرام کند سپس به نمازش پردازد؛ چراکه اگر زن چنین نکند چه‌بسا در میان نمازش، فکرش مشغول کودک شیرخوار بی‌قرارش می‌گردد.

پرسش ۱۹:

اگر نماز گزار بداند که خوابش سنگین است یا به آسانی بیدار نمی‌شود آیا واجب است چیزی را قرار دهد که او را برای نماز آگاه کند؟

پاسخ:

واجب نیست، ولی بهتر است.

پرسش ۲۰:

پرسشی در خصوص شهری است که برادران مؤمن در آن سکونت دارند و شامل دو بخش است:

بخش نخست: بعضی از برادران مؤمن به علت مخفی بودن فجر در فصل تابستان در کشورهای اسکانندیناوی، یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید نماز می‌خوانند و من نیز با آنها نماز می‌گزارم. و امساک می‌کنند و من نیز با

آن‌ها امساک می‌کنم- ولی برخی دیگر این حکم را در فصل زمستان هم پیاده می‌کنند، یعنی در فصل زمستان هم یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید نماز می‌خوانند و یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید امساک می‌کنند با اینکه فجر در فصل زمستان برخلاف فصل تابستان- به خوبی واضح و روشن است! آیا آنچه این برادران انجام می‌دهند درست است؟

بخش دوم: برای کسانی که تابع اُفق سوند هستند، اختلاف بسیاری در دو فصل تابستان و زمستان وجود دارد و مقدار این اختلاف‌ها با توجه به موقعیت هر شهر از شهری به شهر دیگر متفاوت است. پرسش: آیا در تعیین وقت فجر در فصل زمستان می‌توان صرفاً به اطلاعاتی که مرجعشان برخی رصدخانه‌ها است اعتماد نمود؟ یا به مراکز اسلامی مانند مرکز امام علی (علیه‌السلام)؟ یا ما باید خودمان رأساً اُفق را دنبال کنیم؟

پاسخ:

پرسش نخست که دربارهٔ وضعیت شماست؛ به آنچه پیش‌تر بیان کرده‌ام مراجعه کنید که واضح و روشن است. اما در خصوص شناختن وقت فجر، پیش‌تر راه آن را بیان کرده‌ام، که پاسخ را در اینجا برای شما نقل می‌کنم:

در مورد وقت فجر (نماز صبح) اگر بتواند آن را با توجه به علامتش - که در کتاب شرایع بیان کرده‌ام تشخیص دهد- چنین کند، وگرنه وقت آن را موقعی که خورشید ۱۹ درجه زیر افق قرار دارد محاسبه می‌نماید و اگر این امکان فراهم نباشد وقتش یک

ساعت و نیم - یا ۹۰ دقیقه - پیش از طلوع می‌باشد. (۱)
می‌توان به محاسبات علمی درست اعتماد کرد و اینکه مرجع آن‌ها چه کسی است اهمیتی ندارد.

پرسش ۲۱:

آیا گفتن «أشهد أن علیاً و أولاده المعصومین» به جای شهادت چهارم در اذان کفایت می‌کند؟

پاسخ:

در صورت تقیه کفایت می‌کند، و گرنه باید شهادت‌های چهارگانه به همان صورتی که در کتاب شرایع بیان کرده‌ام - گفته شود.

پرسش ۲۲:

در نماز و در هنگام سجده، روی مُهرِ خونی دیدم که از پیشانی‌ام بود. نماز اول را تمام کردم و آن را قطع نکردم. سپس صورتم را شستم، وضو گرفتم و برای تکمیل نماز دوم باز گشتم. آیا این خون موجب باطل شدن نماز شده است و باید آن را تکرار کرد؟

پاسخ:

مکان سجده باید پاک باشد تا نماز صحیح باشد؛ پس با علم به نجس بودن موضع سجده - حتی در حین نماز - باید از آن موضع کنار رفت و بر مکانی پاک سجده کرد - حتی اگر قسمتی از لباس باشد - و اگر چنین نکند باید نماز را تکرار

کند؛ اما اگر نجاست عبارت باشد از خونی که به سبب زخم یا جراحی در پیشانی یا صورت یا بینی که در حین نماز یا سجده از خود شخص سجده‌کننده خارج شده باشد، اشکالی ندارد که نمازش را تمام کند و نمازش صحیح است واجب نیست آن را تکرار کند.

پرسش ۲۳:

آیا غیر عرب می‌تواند در نمازش به زبان مادری دعا کند، مثلاً در قنوت یا سجده؟ و آیا فرقی بین نماز واجب و مستحب وجود دارد؟

پاسخ:

می‌توانی در قنوت، رکوع و سجده به هر زبانی که می‌خواهی دعا کنی.

پرسش ۲۴:

آیا لعنت کردن علمای فاسد و فقهای گمراه در قنوت نماز جایز است؟

پاسخ:

اگر منظور شما کسانی هستند که هنوز در دنیای امتحان هستند، فایده‌ای از لعن آن‌ها در قنوت نماز حاصل نمی‌شود، چون لعنت کردن عبارت است از نفرین برای دوری از رحمت خدا و اگر آن‌ها در همین وضعیت خود بمیرند از رحمت خدا رانده شده هستند. چه بسا بهتر، دعا کردن برای هدایت باشد؛ برای هدایت کسی که امید است هدایت شود و حق را بشناسد، تا آن هنگامی که او در قید زندگانی این دنیا و در دنیای امتحان قرار دارد.

پرسش ۲۵:

اگر کسی در نماز جماعت برای سجده خم شود و سجده اول را پیش از امام انجام دهد و از آن سر بردارد و منتظر امام شود، سپس در سجده دوم به امام ملحق شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

پیش‌تر این مسئله را با جزئیات در کتاب شرایع بیان کرده‌ام و این متن آن است: (متابعت از امام واجب است؛ پس اگر مأوم ندانسته یا از روی فراموشی سرش را بلند کند باید برگردد و از امام تبعیت کند، و همچنین اگر ندانسته، قبل از امام برای رکوع یا سجده خم شود با این گمان که امام خم شده است باید برگردد و به امام ملحق شود، اما اگر مأوم با علم به حالت امام قبل از او به رکوع رود، اگر نیت فرادا کرده باشد، باید نمازش را فرادا تمام کند و گرنه نمازش باطل است).

بنابراین در مورد وضعیت شما، اگر سهوی بوده باشد باید (از امام) پیروی می‌کردی یعنی اگر پیش از امام به سجده یا رکوع رفته باشی باید بلافاصله سر بر می‌داشتی، از امام پیروی می‌کردی و با او به رکوع یا سجده می‌رفتی، اما اگر به دلیل ناآگاهی از حکم شرعی در پیروی (از امام) تأخیر داشته‌ای - که از ظاهر توصیف شما درباره آنچه برایت اتفاق افتاده است چنین برمی‌آید - تا هنگامی که از امام پیروی کرده باشی چیزی بر عهده شما نیست و نمازت صحیح است.

پرسش ۲۶:

قبل از وارد شدن به دعوت، علاوه بر تشهد و سلام آخر، بین هر دو رکعت تشهد می‌خواندم. در نماز صبح دو تشهد، مغرب سه تشهد و نمازهای چهار رکعتی را با چهار تشهد می‌خواندم. آیا نمازهای پیشینم را قضا کنم؟ حکم شرعی آن چیست؟

پاسخ:

نمازهایت را اعاده نکن.

پرسش ۲۷:

در شهرهای بزرگ مثل سیدنی- نماز از نظر شکسته یا کامل خواندن چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه خانه‌های این شهر به هم پیوسته است. محاسبه مبدأ مسافت در این گونه شهرها چگونه خواهد بود؟

پاسخ:

شهرهای بزرگ هر قدر هم که وسیع باشند- یک شهر محسوب می‌شوند و هر مسافتی هم که در آن طی کند مسافر محسوب نمی‌شود، پس نمازش را کامل می‌خواند و روزه می‌گیرد. همچنین اگر ساختار دو شهر به یکدیگر متصل باشد در این دو شهر نمازش را کامل می‌خواند و روزه می‌گیرد حتی اگر مسافت شرعی را از یکی به دیگری طی کرده باشد و اگر ساختار دو شهر، پیوسته نباشد ولی فاصله بین آن دو شهر خیلی نزدیک باشد به گونه‌ای که نقطه‌ای که وسط آن دو واقع می‌شود برای هیچ‌یک از آن دو حد ترخص محسوب نشود، در این صورت در این دو شهر نمازش را تمام می‌خواند و روزه می‌گیرد حتی اگر مسافت شرعی را حین جابه‌جایی بین آن شهر دو طی کرده باشد.

پرسش ۲۸:

نماز و روزه زندانی درحالی که پیوسته جابه‌جا می‌شود و این جابه‌جایی اجباری است، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

اما در مورد نماز و روزه زندانی، تا زمانی که نمی‌داند چقدر در زندان می‌ماند، در هر حال نمازش را تمام می‌خواند و روزه واجب را می‌گیرد؛ اما اگر از وضعیت خود آگاهی دارد طبق آن عمل می‌کند؛ بنابراین اگر کمتر از ده روز در زندان می‌ماند و زندان از حداقل مسافت سفر از مکان استقرار یا خانه‌اش دور باشد، نمازش شکسته است و روزه‌اش را افطار می‌کند، و اگر ده روز یا بیشتر بماند، نمازش را تمام می‌خواند و روزه می‌گیرد؛ اما صرف جابه‌جا شدن او از زندانی به زندانی دیگر چیزی را تغییر نمی‌دهد.

پرسش ۲۹:

در کار رسمی خود کثیرالسفر بودم، به گونه‌ای که مسافت شرعی را بیشتر از چهار روز در هفته طی می‌کردم. مداومت کارم تبدیل به شیفته شد و طبق قانون رسمی اداره، طی کردن مسافت شرعی برای من بیشتر از چهار روز در هفته است؛ اما دستورهای زیادی در مداومت کارم خلل ایجاد می‌کند، و من بنا را بر این گذاشته بودم که کثیرالسفر هستم.

سؤال: حکم روزهایی که بنا را بر کثیرالسفر بودن گذاشته بودم، چیست؟ و حکم روزه ماه رمضان در حین مداومت چیست؟

پاسخ:

مسئله کثیرالسفر را به تفصیل بیان کرده‌ام و شما می‌توانی به آن مراجعه کنی و ببینی کثیرالسفر هستی یا نه و طبق تکلیف خودت عمل کنی. این مسئله را از کتاب شرایع برای شما بیان می‌کنم تا به سادگی آن را بر وضعیت خودت تطبیق دهی:

شرط پنجم: سفرش بیش از در وطن ماندنش (کثیرالسفر) نباشد.

مانند کوچ‌نشینانی که به دنبال مراتع مناسب می‌روند و کسی که با کرایه، باری را حمل می‌کند (راننده) و کشتی‌رانان و تاجران دوره‌گرد و نامه‌رسانان.

ضابطه و ملاک تشخیص کثیرالسفر این است کسی که سفرش به شکل مستمر چهار روز در هفته، یا شانزده روز در ماه یا شش ماه و یک روز در سال باشد باید نمازش را در سفر کامل بخواند و روزه بگیرد، و از زمانی که بفهمد وضعیتش چنین است حکم نماز و روزه‌اش این‌گونه خواهد بود، حتی اگر اولین روز سفرش باشد.^(۱)

اما آنچه پیش‌تر طبق تصور خودت مبنی بر اینکه کثیرالسفر هستی انجام داده‌ای، صحیح است و نماز و روزه‌ات را تکرار نکن؛ حتی اگر خودت را کثیرالسفر به حساب آورده باشی و اکنون برایت روشن شده باشد که محاسبات درست نبوده است.

پرسش ۳۰:

نماز خواندن در مسجدی که در جلو یا کنار آن قبرستانی وجود دارد چه حکمی دارد؟ چه حائلی بین مسجد و قبرستان وجود داشته باشد و چه نباشد.

پاسخ:

نماز در آن جایز است.

پرسش ۳۱:

حمام از جمله اماکنی است که نماز در آن مکروه می‌باشد. سؤال من این است: هنگامی که وقت نماز فرا می‌رسد و جایی غیر از حمام برای اقامه نماز در دسترس نباشد، آیا نماز اول وقت در حمام با وجود کراهت داشتن مکان بهتر است؟ یا با وجود از دست رفتن زمان بهتر (اول وقت) خواندن نماز در جایی شایسته؟

پاسخ:

در صورت وجود اضطرار، نماز در اول وقت در حمام بهتر از به تأخیر انداختن نماز است. همچنین نماز نشسته یا ایستاده در حالت روبه‌قبله یا پشت به آن در هواپیما یا ماشین در اول وقت بهتر از به تأخیر انداختن نماز است به خصوص هنگامی که احتمال دارد وقت ادای آن فوت شود. و اگر نماز خواند، واجب نیست آن را تکرار کند حتی اگر وقت باقی مانده باشد.

پرسش ۲۳:

خدای متعال می‌فرماید: ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾^(۱) (بر

نمازها و نماز وسطی محافظت کنید)؛ نماز وسطی چیست؟

پاسخ:

نماز وسطی، نماز جمعه است، ولایتی است که به واسطه آن فلک می‌چرخد؛ یعنی امامت و هدایت.

پرسش ۳۳:

امامت شخص مسافر برای نماز جماعت در نماز جمعه و سایر نمازها چه

حکمی دارد؟

پاسخ:

جایز است که مسافر نماز جمعه را اقامه کند و کسان دیگر می‌توانند در نماز جمعه و جماعت به او اقتدا کنند، ولی کراهت دارد که حاضر به مسافر در نماز جماعت اقتدا کند.

پرسش ۳۴:

آیا شخصی که مؤمن به حق نیست در نماز جمعه، جزو تعداد نفرات مطلوب

محاسبه می‌شود؟ با توجه به اینکه او دشمنی با دعوت حق نداشته باشد؟

پاسخ:

محسوب نمی‌شود مگر اینکه مؤمن باشد.

پرسش ۳۵:

آیا شخصی می‌تواند متولی دو خطبه نماز جمعه بشود ولی به دلیل مشکل سلامتی، شخص دیگری نماز را اقامه کند؟

پاسخ:

جایز نیست مگر در حال ضرورت؛ اما اگر خطیب یا امام جمعه مریض یا شبیه آن باشد و نتواند نماز یا خطبه بخواند، خطبه و نماز را با هم به دیگری واگذار می‌کند و دلیلی ندارد که خطبه بخواند و شخص دیگری نماز را اقامه کند یا برعکس.

پرسش ۳۶:

بعد از مشخص شدن ائمه جمعه، حضور در آن واجب است، اما در مورد کسانی که مشغول کار در ادارات هستند یا کسانی که با اصحاب محله‌ها در ارتباط هستند و نمی‌توانند کار خود را ترک کنند، تکلیفشان چیست؟

پاسخ:

مؤمن باید کارش را به گونه‌ای ترتیب دهد که ساعت استراحتی در وقت نماز داشته باشد با این عنوان که ساعت خوردن ناهار یا شبیه آن است. و بتواند در نماز حضور یابد. امام جمعه باید وضعیت مؤمنان را مدنظر قرار دهد و خطبه یا نماز را طولانی نکند و به‌طور کلی ائمه جمعه در همه‌جا نباید خطبه را طولانی کنند و باید بر مؤمنان آسان بگیرند و شرایط آن‌ها را مراعات کنند. خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به آن‌ها عطا فرماید.

پرسش ۳۷:

وقتی نماز جماعت مستحبی یا نماز جمعه در خانه‌ای اقامه شود و برخی از

مکلفین در خانه یا خیابان دیگری باشند، آیا در این حالت نیز حضور داشتن بر آن‌ها واجب است؟

پاسخ:

در صورتی که از اقامه نماز جمعه مطلع باشند، حضور پیدا کردن واجب است.

پرسش ۳۸:

خداوند نعمت مداوای روحی را به من داده است و معمولاً در روز جمعه مشغول کسانی هستم که از استان‌های دیگر و فقط در روز جمعه نزد من می‌آیند. من این دعوت مبارک را به هر کسی که برای درمان می‌آید تبلیغ می‌کنم و این مانع از حضور من در نماز جمعه می‌شود. آیا این کار جایز است؟

پاسخ:

اگر شروط نماز جمعه از جمله مسافت برای شما محقق شود، حضور یافتن در نماز بر شما واجب می‌گردد. کسی که کاری دارد می‌تواند خودش را یک ساعت یا کمتر برای نماز جمعه فارغ کند و خطیبان باید خطبه‌هایشان را مختصر و شرایط مؤمنان - خداوند حفظشان کند - را مراعات کنند. خداوند بهترین جزای نیکوکاران را به شما عطا فرماید.

پرسش ۳۹:

از بیماری قلبی رنج می‌برم که حرکت زیاد و هر تلاش و کوششی را برایم دشوار کرده است. آیا می‌توانم به جای حضور در نماز جمعه، نماز ظهر روز جمعه را به‌جا آورم چراکه حضور در نماز مبارک جمعه برایم بسیار دشوار است؟ و آیا این سببی شرعی محسوب می‌شود که ذمه‌ام را نزد خداوند متعال

بری نماید؟

پاسخ:

نماز جمعه بر بیماری که بیماری اش مانع حضورش در نماز جمعه باشد، واجب نیست و هر انسانی از وضعیت خودش آگاه است. او خودش وضعیتش را معین می کند؛ اگر به علت بیماری اش توانایی حضور در نماز جمعه را داشته باشد، معذور است و اگر مشخص شود که بیماری اش مانع حضورش در نماز جمعه می شود، نماز ظهر را به جا می آورد.

پرسش ۴۰:

بین من و مکان نماز جمعه موانعی از قبیل رودخانه و دریاچه وجود دارد و به وسیله ای برای عبور از آن ها دسترسی ندارم و اگر بخواهم پیاده طی مسیر کنم باید بیش از ۲۰ کیلومتر راه طی کنم. آیا نماز جمعه بر من واجب است یا نماز ظهر به جای آن کفایت می کند و عوض آن محسوب می گردد؟

پاسخ:

اگر بین شما و نماز جمعه ۲۰ کیلومتر فاصله باشد حضورتان واجب نیست هر چند اگر وسایل عبور و مرور برایتان فراهم باشد، حضورتان بهتر است. بدان که اجر و ثواب متناسب با مشقت و سختی خواهد بود.

پرسش ۴۱:

گاهی زلزله های بسیار یا متعدد در یک روز یا یک ساعت رخ می دهد. آیا یک نماز برای همه آن ها کفایت می کند؟ یا برای هر زلزله یک نمازی لازم است؟

پاسخ:

یک نماز کفایت می‌کند و لرزش‌هایی که بعد از لرزش اول می‌آیند، معمولاً پس‌لرزه‌های حرکت‌های همان لرزش اول محسوب می‌شوند؛ و حتی اگر این‌گونه نباشد نیز، یک نماز برای زلزله‌هایی که در همان روز اتفاق می‌افتند کفایت می‌کند.

پرسش ۴۲:

چطور پشت سر امامی که به دعوت ایمان ندارد نماز بخوانم؟

پاسخ:

در نمازت به فرد غیر مؤمن اقتدا نکن. نمازت را افرادی بخوان یا امام باش و یا به پیش نماز مؤمن اقتدا کن.

پرسش ۴۳:

آیا حرام است کسی که خال کوبی دارد امام جماعت شود؟

پاسخ:

حرام نیست.

پرسش ۴۴:

روی بازوی راستم ۱۰ سال پیش خال کوبی کردم و خال کوبی از کتف تا بازو است. اکنون ۳۱ سال دارم. می‌خواهم بدانم حکم نماز با این خال کوبی چیست؟ زیرا برداشتن آن به جراحی نیاز دارد و آیا برداشتن آن ضروری است؟ من چه کنم!؟

پاسخ:

در حال حاضر ضرورتی ندارد که آن را برداری. وجود آن در دست آسیبی متوجه نماز نمی‌کند.

پرسش ۴۵:

بسیاری مواقع نمی‌توانیم نماز را به صورت صحیح و کامل ادا کنیم زیرا ما با خانواده‌مان زندگی می‌کنیم و آن‌ها مسلمان نیستند. آیا می‌توانیم از روی تقیه نشسته نماز بخوانیم مانند حالت فکر کردن و بدون حرکت بدن- یا واجب است که آن را به طریق صحیح در وقت دیگری که توانایی نماز خواندن داشته باشیم قضا کنیم؟ اگر تا چند هفته توانایی نماز خواندن نداشته باشیم چه تکلیفی داریم؟

پاسخ:

می‌توانی نشسته نماز بخوانی و هر طور می‌توانی برای رکوع و سجده اشاره کن حتی اگر با چشمانت باشد، اگر بیش از آن توانایی نداشته باشی.

پرسش ۴۶:

انصار در پالتاک گفته‌اند که برای قضای نمازها در شب قدر از نماز ظهر آغاز و به نماز صبح ختم کنیم؛ آیا به این صورت صحیح است؟

پاسخ:

با نماز صبح آغاز کنید.

روزه

پرسش ۴۷:

ما از ساکنان سوئد هستیم و در اینجا زمان افطار ما تقریباً چهار ساعت است و در روزه گرفتن با سختی مواجه هستیم؛ زیرا وقت افطار کم است و نمی‌توانیم غذایی بخوریم که بیست ساعت روزه را کفایت کند، به همین دلیل دچار خستگی و ضعف می‌شویم و در طول روز احساس کسالت و سرگیجه داریم. علاوه بر این نمی‌توانیم کاری جز خواب انجام دهیم و به خاطر احساس خستگی، خواب مناسب هم نداریم. آیا این مجوزی برای روزه نگرفتن ما می‌باشد؟ اینکه چند روزی استراحت کنیم و دوباره روزه بگیریم؟

پاسخ:

اگر خستگی و ناتوانی شدید باشد، می‌توانید افطار کنید و قضای آن را در وقت مناسب به‌جا آورید؛ و خداوند هیچ‌کس را بیش از توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

پرسش ۴۸:

سفر غیرضروری در ماه رمضان که مستلزم افطار روزه‌دار باشد چه حکمی دارد؟

پاسخ:

جایز است ولی بهتر است از آن اجتناب شود.

پرسش ۴۹:

شخصی کفاره روزه ماه رمضان برگردن دارد. اگر بخواهد شصت فقیر را اطعام کند آیا باید خودش به این کار اقدام کند یا می‌تواند قیمت غذا را به مسئول بیت‌المال بدهد و او اقدام به اطعام فقیران کند یا می‌تواند در مبلغ به‌طور کلی دخل و تصرف کند مثلاً به‌عنوان حقوق ماهیانه به مستحقان پردازد؟

پاسخ:

باید با آن شصت مسکین را اطعام کند و می‌تواند به بیت‌المال بدهد یا درجایی قرار بدهد که آنجا اطعام شصت مسکین انجام شود؛ مثلاً اگر در بین کسانی که بیت‌المال به آنها حقوق ماهیانه می‌دهد، شصت مسکین یا بیشتر وجود داشته باشد، بیت‌المال می‌تواند این اموال را با نیت اطعام شصت فقیر در حقوق‌ها قرار دهد و در نتیجه این اموال برای اطعام شصت مسکین به مصرف می‌رسد.

خمس

پرسش ۵۰:

آیا در زمان غیبت کبری، خمس برای شیعیان حلال است؟

پاسخ:

هیچ‌کس حق ندارد خمس را که مخصوص امام (علیه السلام) است بگیرد، مگر امام یا کسی که امام به او اجازه داده باشد؛ و امام (علیه السلام) به احدی اجازه نداده است که به نیابت از او خمس بگیرد؛ بنابراین کسانی که ادعای فقه می‌کنند، حق ندارند مال مخصوص امام را تصاحب کنند و در آن - آن‌گونه که ادعا می‌کنند مورد

رضایت او است- دخل و تصرف نمایند درحالی که آنها نمی‌دانند رضایت امام
علیه‌السلام در چیست!

پرسش ۵۱:

مایلم دربارهٔ خمس پرسم. مقداری پول دارم که آن را پس‌انداز نموده‌ام. برخی از این پول هدیه، بخشی از آن مهریه و قسمتی از آن هم از معاش (درآمد) تأمین شده است. بر قسمتی از آن یک سال گذشته و بر بخشی دیگر از آن یک سال نگذشته است. آیا واجب است خمس آن را خارج کنم؟ و آیا باید از معاش (درآمد) ماهانه‌ام خمس بدهم؟

پاسخ:

مال اضافه بر هزینهٔ سالانه خمس دارد و خمس آن یک بار خارج می‌شود و تکرار نمی‌گردد، حتی اگر چندین سال پس از خارج نمودن خمس، آن مال باقی بماند.

خارج کردن خمس آنچه شما در هر ماه کسب می‌کنی، در هر ماه واجب نیست بلکه خمس بر مال اضافی در پایان سال محاسبه می‌شود؛ یعنی شما یک روز را در سال تعیین نما و در این روز از هر سال، خمس مال اضافی از درآمد سال را محاسبه و خارج کن. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و بر حق ثابت قدم گرداند و شما را در زمرهٔ کسانی که با آنها دینش را یاری می‌رساند قرار دهد.

پرسش ۵۲:

شخصی خمس بر او واجب شده و آن را حساب کرده است؛ اما به خاطر

وضعیت مادی ضعیف نمی تواند مبلغ خمس را به یک باره بپردازد. آیا می تواند هر ماه قسمتی از آن را بپردازد تا اینکه کل مبلغ خمس قبل از سررسید سال خمسی جدید تسویه شود؟

پاسخ:

مقداری که توانایی پرداختش را دارد و به هر صورتی می تواند، بپردازد؛ و خداوند هیچ کس را تکلیف نمی کند مگر به قدر توانایی اش.

پرسش ۵۳:

زنی قبلاً خمس نمی داده است و می خواهد امسال خمس بدهد؛ ولی سؤال این است که: چگونه می تواند ذمه اش را سالهای قبل بری کند و آنچه مشغول الذمه اش شده است را بری و حلال نماید؟

پاسخ:

چیزی از گذشته بر عهده او نیست؛ از آنجا که شروع به محاسبه خودش کرده پس ذمه اش از گذشته بری است.

پرسش ۵۴:

آیا می توانم خمس جنسی را که خریده ام و احتمال می دهم تا یک سال از آن استفاده نمی کنم بپردازم؟ یا برای دوری از فراموش کردن خمس آن، چنین کنم؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۵۵:

زنی که در خارج زندگی می‌کند قطعه زمینی در عراق خریده و خانه‌ای در آن ساخته و هر سال خمس مالش را می‌پرداخته است، ولی مطمئن نیست خمس مالی را که با آن زمین خریده و خانه ساخته، پرداخته بوده است یا نه.

سؤال: تکلیف شرعی او نسبت به خمس این زمین و خانه چیست؟ و اگر خمس آن واجب است، بر اساس مقدار مبلغی که زمین را خریده خمسش را بدهد یا طبق مبلغ فعلی آن؟

پاسخ:

اگر این خانه تنها خانه‌ای است که مالک آن است، خمس ندارد؛ و اگر خانه دیگری دارد می‌تواند یکی را به عنوان محل سکونت در نظر بگیرد - که خمس ندارد - و خمس خانه دیگر را پردازد؛ اما آنچه خمس به آن تعلق می‌گیرد، قیمت تقریبی خانه هنگام پرداخت خمس است.

حج

پرسش ۵۶:

حکم کسی که نمی‌تواند در وقت شرعی تعیین شده از سوی امام معصوم در عرفه و قوف کند چیست؟ به این معنی که روز عرفه از دید امام حق، یک روز پس از آن‌ها است و انصار پس از قوف آن‌ها (جماعت باطل) نمی‌توانند قبل از وقت شرعی به عرفه بروند.

پاسخ:

عبادات واجب باید تا آنجا که امکان پذیر می باشد در وقت خودش ادا گردد، و کسی که در عرفات، وقوف در روز عرفه برایش ممکن نیست و حتی در شب، می تواند پس از فجر در مشعر وقوف کند؛ و اگر به دلیل ممانعت ستمگران نتواند در عرفات و مشعر با هم وقوف نماید، چنین کسی «مصدود» محسوب می شود و باید طبق حکم «مصدود» عمل کند. این موارد را به تفصیل در کتاب «شرایع الاسلام» بیان داشته ام. می توانید به آن مراجعه و طبق آن عمل نمایید. خداوند توفیقتان دهد. و اگر چیز دیگری هست که برایتان روشن نیست می توانید پرسید.

پرسش ۵۷:

زمانی که به حج رفتم سعی کردم حین انجام اعمال حج به خصوص طواف- توجه داشته باشم، اما وجود مردان نامحرمی که مزاحم من بودند خشوع را از من می گرفت. یک زن چگونه می تواند اعمال حج را به جا آورد؟ احساس می کنم حج ناقص بوده و به این سبب قلبم آزرده خاطر است.

پاسخ:

از خداوند مسئلت دارم اعمال و حج شمارا قبول کند. او سرپرست من و سرپرست شایستگان است؛ اما در مورد حج زنان هنگامی که مزاحمت مردان وجود دارد، اجتناب از مزاحمت مردان برتر از خود حج می باشد؛ پس باید آنچه را که امکان پذیر است بدون اصطکاک با مردان انجام دهد؛ حتی اگر به خاطر حفظ عفت و دوری از برخورد با مردان مجبور به کوتاهی در اعمال حج شود؛ و ان شاء الله که حجش صحیح است. وقوف یک زن در عرفات و انجام دادن آنچه

از اعمال حج که می‌تواند بدون اصطکاک با مردان انجام دهد، برایش کفایت می‌کند.

پرسش ۵۸:

حین طواف ششم یا هفتم به دلیل ازدحام شدید و فشار مردم کتفم تقریباً به صورت عمود از جهت کعبه مشرفه منحرف شد و به سختی توانستم وضعیتم را متعادل کنم و طواف را کامل کردم. آیا چیزی بر عهده من است؟

پاسخ:

چیزی بر عهده شما نیست.

پرسش ۵۹:

در طواف خانه خدا اشتباهاً هشت مرتبه طواف کردم. تکلیفم چیست؟

پاسخ:

پاسخ این مسئله را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام: (کسی که به‌طور سهوی بیش از هفت مرتبه طواف کند، آن را با چهارده مرتبه طواف تکمیل می‌کند، سپس نماز واجب اول را به‌جا می‌آورد، و دو رکعت نافله بعد از سعی بین صفا و مروه به‌جا می‌آورد)؛ ولی اگر حکم این مسئله را نمی‌دانستی و از مناسک حج یا عمره خارج شده‌ای اگر توانستی دوباره برگردی هفت مرتبه طواف دوم را تکمیل کن، در غیر این صورت چیزی بر عهده شما نیست.

پرسش ۶۰:

وهابی‌های عربستان نمادی که در مناسک حج به آن سنگ می‌زدند

(جمرات) را تغییر داده و تبدیل به دیواری کرده‌اند. در چنین وضعیتی چطور باید سنگ بزنیم؟

پاسخ:

زدن سنگ به دیوار کفایت می‌کند.

پرسش ۶۱:

زنی برای عمره مُحَرَّم شد و قبل از اینکه با انجام تقصیر از عمره بیرون بیاید با عدم آگاهی از حکم- برای پرسش تقصیر کرد. آیا چیزی بر عهده‌اش است؟

پاسخ:

برای زن بعد از ذبح، حلق یا تقصیر برای خودش یا برای غیر خودش حلال است؛ همان‌طور که در کتاب شرایع بیان کرده‌ام.

نذر و عهد

پرسش ۶۲:

نذر کردم ۱۰۰ متر از اولین زمینی که در طول عمرم می‌خرم را به آقا و سرورم امام حسین (علیه السلام) هدیه کنم. پس از این نذر، خداوند سبحان به من توان مالی عنایت فرمود و توانستم زمینی به مساحت ۶۰۰ متر خریداری نمایم. برادران انصار خواستند قطعه زمین برای ساخت حسینیه خریداری کنند. قیمت ۱۰۰ متر زمین را محاسبه و پول آن را به انصار برای ساخت حسینیه پرداخت کردم. آیا به نذر خود وفا کرده‌ام؟ و اگر اکنون قصد کرده باشم که تمام زمینم را بفروشم،

آیا می‌توانم چنین کنم؟

پاسخ:

انشاءالله شما به نذرت وفا کرده‌ای و می‌توانی زمینت را بفروشی یا هر کار دیگری که خواستی انجام بدهی. از خداوند می‌خواهم برای شما برکت قرار دهد و خیر آخرت و دنیا را به شما عنایت فرماید.

پرسش ۶۳:

زنی نذر کرده است که چشم‌های پسرش را در سن ۱۱ سالگی در کنار خانه خدا با آب زمزم بشوید. پدر آن پسر طلاقش داده است و نمی‌پذیرد که او را برای عمره به مکه ببرد تا به نذرش وفا کند. چه تکلیفی بر عهده این زن است؟

پاسخ:

چیزی بر عهده این زن نیست.

سؤال ۶۴:

کفاره شکستن عهد چیست؟

پاسخ:

کفاره شکستن عهد: اختیار دارد یک بنده آزاد کند یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد یا شصت فقیر اطعام کند.

خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

پرسش ۶۵:

آیا خوردن ماهی سپیداج (نوعی ماهی مرکب = cuttlefish) جایز است؟

پاسخ:

جایز نیست.

پرسش ۶۶:

حکم خوردن جانوران نرم تن دریایی و گشنیز - که در تهیه بسیاری از غذاها استفاده می شود - چیست؟

پاسخ:

خوردن نرم تنان - از جمله هشت پا و موارد دیگر - جایز نیست، ولی خوردن گشنیز حلال است و اشکالی ندارد.

پرسش ۶۷:

من در روزنامه «میدل ایست» (middle-east) خوانده ام یک مفتی کویتی خوردن ماهی هایی که در مزارع اروپایی با اجزای زائد خوک ها - که به مواد دیگری تبدیل شده اند - تغذیه شده اند را جایز دانسته است. پرسش من: آیا خوردن این ماهی ها که به وفور در بازار یافت می شوند جایز است؟

پاسخ:

حلال هستند و خوردن آنها جایز است اگر شرایط دیگر حلال بودن مثل تذکیه - یعنی زنده از آب خارج شدن - در آنها رعایت شده باشد.

پرسش ۶۸:

حکم پنیرهای بسته بندی شده خارجی به خصوص پنیر کرافت چیست؟ حکم

پنیرمایه‌ای که در آن استفاده می‌شود چیست؟

پاسخ:

پنیرمایه برای تهیه پنیر اشکالی ندارد چه از حیوان ذبح‌شده شرعی به دست آید یا غیر ذبح شرعی.

پرسش ۶۹:

در خصوص ماءالشعیر، آیا برای بیمار حلال است یا حرام؟ و آیا برای حلال بودنش شروطی وجود دارد؟

پاسخ:

اگر آب‌جو تخمیر نشده باشد، خوردنش جایز است، اما اگر تخمیر شود، نوشیدن آن حتی برای فرد بیمار نیز جایز نیست (به عبارت دیگر، امکان استخراج و استفاده از آب‌جو با استفاده از فشردن یا با هر روش دیگری وجود دارد ولی باید قبل از ظاهر شدن حالت تخمیر در آن صورت گیرد).

پرسش ۷۰:

آیا استفاده از ادرار شتر در درمان بیماری تنگی نفس برای شخص مؤمن جایز است؟ یکی از پزشکان از آن برای درمان این بیماری تعریف و تمجید می‌کرد با این دلیل که امام صادق (علیه السلام) از آن برای درمان این بیماری توصیه فرموده است؟

پاسخ:

اگر می‌خواهی مثل بزرگان دین وهابی و پیروان فریب‌خورده‌شان ادرار شتر بنوشی، بدان که این کار زشت و منفوری است و نوشیدن ناپاکی جایز نیست؛ اما

امام صادق - که درود خداوند بر او باد- هرگز نوشیدن ناپاکی را حلال نفرموده است.

پرسش ۷۱:

پرسش من در خصوص مهندسی ژنتیک گیاهان، حیوانات، قارچ‌ها و باکتری‌ها از طریق بیوتکنولوژی است. آیا این کار جایز است؟
 آنچه از پاسخ‌های پیشین صادر شده از امام (علیه السلام) فهمیده‌ام، این است که خوردن غذاهایی که اصلاح ژنتیکی شده‌اند حرام نیست، ولی می‌خواهم بدانم آیا این کار از این جهت که تغییر در خلقت خداوند سبحان و متعال محسوب می‌شود، حرام نیست؟

پاسخ:

اصلاح ژنوم گیاهان و حیوانات و حتی اصلاح ژن انسان‌ها نیز جایز است اگر از ضوابط اخلاقی و احکام کلی شرعی خارج نشود. این بدن‌ها تنها ابزارهایی هستند که ارواح ما آنها را برای امتحان در این عالم جسمانی به کار می‌گیرند.

تجارت و معاملات

پرسش ۷۲:

ما چند برادر هستیم که در تجارت مصنوعات طلا مشغول می‌باشیم و می‌خواهیم از ماهیت کار خود مطمئن شویم. از چند جهت:

۱- آیا جایز است بر مبلغی که قبلاً بعد از بررسی قیمت مثقال طلا توافق کرده‌ایم مقداری اضافه کنیم؛ این افزایش قیمت واقعی نیست و ما آن را تنها

برای ملاحظات کاری و چانه‌زدن با مشتری لحاظ می‌کنیم و به دنبال آن، قیمت را برای مشتری پایین می‌آوریم و منتی بر سرش می‌گذاریم، ولی در واقع منتی بر مشتری نیست چراکه من چیزی از قیمتی که پیش‌تر توافق کرده بودیم کم نکرده‌ام.

۲- آیا جایز است طلاهایی را که از مشتری‌ها خریده‌ام بدون اینکه اجرتی پرداخت کرده باشم و درحالی که نو استفاده نشده هستند، با طلاهایی که بابت آنها به تاجر اجرت پرداخت کرده‌ام به یک قیمت بفروشم؟

۳- آیا جایز است طلاهای دست‌دوم را به قیمت طلای نو بفروشم؛ یعنی به همان قیمت ولی با پرداخت در طول مدتی که دو طرف بر آن توافق می‌کنند بدون هیچ افزایش قیمتی؟

پاسخ:

سؤال ۱- جایز است.

سؤال ۲- جایز است.

سؤال ۳- جایز است.

پرسش ۷۳:

هنگامی که نیروهای آمریکایی در عراق بودند و پیش از ایمان آوردنم به این دعوت مبارک، با نیروهای آمریکایی تعامل‌هایی داشتم؛ مثلاً: تهیه مبلمان یا تجهیزات الکترونیکی یا نصب و نگهداری پایه‌های ژنراتور و...؛ و مقداری پول به دست آوردم که اکنون در اختیاردارم. حکم این کار و این پول‌ها چیست؟

پاسخ:

حکم کار کردن برای آمریکایی‌ها و کمک کردن به آنها در زمان اشغال عراق را پیش‌تر بیان کرده‌ام که جایز نیست؛ ولی پرسش شما دربارهٔ اموالی که به دست آورده‌ای: اشکالی در آن نیست و می‌توانی آن را به هر صورت که مایل هستی و به هر صورتی که خداوند برای شما حلال کرده است مصرف کنی.

پرسش ۷۴:

آیا دریافت اجرت در برابر تدریس قرآن جایز است؟

پاسخ:

گرفتن اجرت برای تدریس قرآن جایز است. از خداوند متعال می‌خواهم به شما برکت عنایت کند و خیر آخرت و دنیا را به شما توفیق عطا فرماید.

پرسش ۷۵:

برخی برادران در بعضی از مناصب حکومتی یا دفتر مراجع یا اماکن مقدس به کار مشغول هستند، ولی به جهت ضرورت و خطری که آنها را تهدید می‌کند مانع آن‌ها در علنی کردن ایمانشان می‌شود و آنها پنهانی مؤمن به دعوت هستند. آیا جایز است به همین صورت عمل کنند یا نه؟

پاسخ:

جایز است و اشکالی در کتمان ایمانشان نیست، اگر ناچار باشند یا از این مخفی کردن هدف خاصی را دنبال کنند؛ مثل هدایت بعضی از مردم یا دعوت آنها به حق.

پرسش ۷۶:

آیا ضمانت کسی که وام ربوی می‌گیرد جایز است یا نه؟ و آیا خرید وام ربوی جایز است؟

پاسخ:

اگر وام (قرض) ربوی باشد از آن دوری کنید؛ و گشایش تنها نزد خداوند است.

پرسش ۷۷:

آیا پیش‌خرید فلزات گران‌بها جایز است؟ اینکه پول را پردازم و بعد از ۳۰ تا ۵۰ روز محصول را دریافت کنم؟ با توجه به اینکه این فلز گران‌بها معمولاً طلا و نقره است.

پاسخ:

جایز است. از خداوند متعال می‌خواهم به شما برکت عنایت کند و خیر آخرت و دنیا را به شما توفیق عطا فرماید.

پرسش ۷۸:

من به‌عنوان پزشک در یک کشور اروپایی کار می‌کنم. طبق عرف اینجا وقتی پزشکی برای معاینه بیمار می‌رود دستش را برای مصافحه (دست دادن) به سمت بیمار دراز می‌کند و اگر چنین نکند عملی ناشایست محسوب یا برداشت زشتی از آن می‌شود؛ چراکه من مسلمان هستم یا توهین از سوی دکتر محسوب می‌شود، و این بستگی به شخصیت خود بیمار دارد. حال اگر بیمار زن باشد وضعیت چگونه خواهد بود؟ مایلم از وضعیت مشابهی نیز سؤال کنم؛ اینکه پزشک، یک زن مسلمان باشد؛ در این صورت آیا جایز است با مردان مصافحه

کند، با توجه به اینکه او نیز در چنین شرایطی کار می کند؟

پاسخ:

اگر دست ندادن باعث سختی و مشقت شود، اگر زن غیرمسلمان اول دستش را به سوی شما دراز کرد می توانی دستت را برای مصافحه به سوی او دراز کنی ولی خودت نباید در ابتدا دستت را به سوی او دراز کنی؛ اما در مورد دکتر زن مسلمان، جایز نیست با مرد مسلمان یا غیرمسلمان مصافحه کند، و اگر مصافحه نکردن برایش موجب سختی و مشقت می شود می تواند دستکش بپوشد و با آنان مصافحه کند. از خداوند متعال می خواهیم به شما برکت عنایت کند و خیر آخرت و دنیا را به شما توفیق عطا فرماید. او سرپرست من است و سرپرست شایستگان.

پرسش ۷۹:

آیا شرکت، آموزش یا مشاهده ورزش هایی رزمی مثل بوکس، گشتی، هنرهای رزمی، کاراته و غیره، جایز است؟ و حکم بازی های ورزشی که شامل ضربه زدن به حریف با دست و پا می شود چیست؟

پاسخ:

جایز است، اگر همراه با پوشیدن پوشش های محافظت کننده از آسیب های جدی باشد.

پرسش ۸۰:

من معلم مدرسه هستم و اداره، وظیفه تشکیل کمیسیون عالی برای انتخابات را بر عهده ما گذاشته است. آیا جایز است به عنوان مأمور صندوق های رأی گیری

انتخابات فعالیت کنم؟

پاسخ:

برای شما بهتر است از این کار دوری کنید.

بیت‌المال و امور مالی

پرسش ۸۱:

یکی از برادران مبلغی پول بخشیده است تا به دست کسی که مستحقش است برسانم. از آنجا که من و برادرم بیکار هستیم و شغلی نداریم و کسی هم نداریم تا نیازهای مادی مان را تأمین کند و به کمک مالی هم نیاز داریم ولی اینکه به کسی بگوییم ما محتاج هستیم نیز برایمان سخت است، آیا می‌توانم مقداری از این پول را برای خودم بردارم و بقیه را در راه خدا خرج کنم مثل کمک به یکی از برادران انصار- همان‌طور که صاحب این پول مقرر کرده است؟

پاسخ:

اگر بخشنده، این مال را برای مصرف خاصی به شما داده است، بر شما واجب است در همان جهت خاص مصرف کنید؛ بنابراین اگر گفته است به بیت‌المال برسانید باید چنین کنید، اگر گفته است برای ایتم هزینه کنید باید چنین کنید، اگر گفته است بین فقرا تقسیم کنید باید چنین کنید، و اگر شما جزو فقرا و نیازمندان به این پول محسوب می‌شوید می‌توانید مقداری از این پول را برای خودتان بردارید، درست مثل فقرا و نیازمندان دیگری که این پول را بینشان توزیع می‌کنید.

پرسش ۸۲:

پرسش‌های زیر در خصوص بیت‌المال:

- ۱- همیشه برایم در مورد چگونگی برخورد با بیت‌المال سؤالاتی مطرح بود؛ اینکه چگونه آن را در جامعه مصرف کنیم. چه کسانی می‌توانند از آن استفاده کنند. آیا بیت‌المال عبارت است از محل جمع‌آوری همه انواع زکات غیر از خمس؟ و همچنین انفاقی از سوی اهداکننده است؟
- ۲- امیدوارم مرا از چگونگی مصرف بیت‌المال در قالب مثالی توصیه فرمایید؟

پاسخ:

اموال چه واجب باشند مثل زکات و خمس- و چه اهدایی، همه را در بیت‌المال گرد آورید و اقدام به مصرف کردن آنها در جهاتی کنید که برایتان بیان کرده‌ام؛ یعنی دعوت مردم به حق، به مؤمنان نیازمندان و سرپرستی یتیمان مؤمن.

ولی در مورد جامعه، اگر مقدار زیادی از اموال بیت‌المال نزد شما جمع شده است می‌توانید به‌عنوان مثال اقدام به سرپرستی یتیمان کنید حتی اگر خانواده‌شان از مؤمنان نباشند، یا می‌توانید جمعیتی برای سرپرستی از یتیمان باز کنید. از خداوند مسألت دارم به شما و در کارهایتان برکت عنایت فرماید و برای شما راهی برای شناساندن حق به مردم قرار دهد، خصوصاً در مناطقی که زبان آنها را می‌فهمید یا در مناطقی که افرادی وجود دارند که شما می‌توانید حق را به آنها برسانید؛ مثل مالزی، برونوی، سنگاپور، جنوب تایلند، اندونزی و جاهای دیگر. خداوند به شما بهترین پاداش نیکوکاران را عنایت فرماید، و ان‌شاءالله خداوند به

شما برای رساندن حق به آنان و کسانی که امید به هدایتشان دارید، توفیق عنایت فرماید.

پرسش ۸۳:

در جهت گردن نهادن به توصیه‌ی امام احمدالحسن (علیه السلام) خانه‌ای را برای اموال در منطقه خودمان به منظور خدمت‌رسانی به مردان و زنان انصار مؤمن به دعوت حق یمانی و کمک مالی به آنان تأسیس کرده‌ایم.

و پرسش من: آیا می‌توانیم خمس و حقوق شرعی که جمع‌آوری کرده‌ایم را در ایجاد یک مرکز و حسینیه برای انصار در این منطقه مصرف کنیم؟ و همچنین در کمک به خانواده‌هایی که از نظر مالی نیازمند هستند؟

با توجه به اینکه ما در گذشته نیازمند چنین مرکزی بوده‌ایم تا تمام انصار را در آن جمع، در آن نماز جماعت بر پا و دروس دینی برگزار کنیم، و توان مالی انصار در جمع‌آوری مبلغ موردنیاز برای خرید زمین و ساخت مرکز و حسینیه در حال حاضر محدود است و نتیجه مطلوب از این طریق به دست نمی‌آید.

پاسخ:

جایز است؛ و از خداوند درخواست داریم به شما برکت عنایت فرماید و امور شمارا در جهتی که مورد رضایش است آسان گرداند.

پرسش ۸۴:

اموالی از «صله به امام» در اختیار من است. آیا می‌توانم آن را به انصار نیازمند بدهم؟ به خصوص وقتی رساندن این اموال به انصاری که مسئول بیت‌المال هستند خیلی سخت باشد.

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۸۵:

من بسیار غمگین و ناراحت هستم؛ زیرا دینی از مالی که متعلق به امام مهدی (علیه السلام) است بر ذمه‌ام می‌باشد و مالی هم ندارم تا دینم را ادا کنم. متحیرم چه کنم؟ همیشه به آن فکر می‌کنم و نمی‌دانم چه کنم؟

پاسخ:

تا هنگامی که این اموال را به دست نیاورده‌ای اشکالی وجود ندارد. خداوند به شما توفیق دهد و گام‌هایت را استوار سازد. از خداوند مسئلت دارم که به فضل خودش گشایشی در کارهای شما ایجاد کند.

پرسش ۸۶:

آیا کمک مالی به شخصی که نه نماز می‌خواند، نه روزه می‌گیرد و مؤمن به این دعوت مبارک نیست جایز است؟ این شخص فقیر است. آیا کمک مالی به او به خاطر خودش یا فرزندانش- پاداش دارد؟ و آیا در این جهت فرقی بین خویشان و سایرین وجود دارد؟

پاسخ:

می‌توان به کسی که مؤمن نیست کمک مالی کرد؛ اما در مورد اجر و پاداش، بله؛ (کمک) به هر موجود زنده‌ای پاداش دارد، یعنی اگر به‌عنوان مثال نیاز به غذا داشته باشد و همچنین می‌توان به فرزندانش کمک مالی کرد. قطع ارحام (بریدن از خویشاوندان) جایز نیست و افضل (بهتر) کمک مالی به آنها است اگرچه

مؤمن هم نباشند، و اگر بین کمک کردن به مؤمن و غیر مؤمن مُردّد شدی، کمک به مؤمن برای شما بهتر است.

پرسش ۸۷:

شخصی مؤمن به حق است. پدرش از او خواست تا برای ساختن مسجدی در آمستردام ۱۰۰۰ یورو اهدا کند و او نمی‌داند چه کند؛ زیرا ملازمان آن مسجد از پیروان مراجع هستند و اگر کسی در آن مسجد بخواهد مردم را به دعوت امام احمدالحسن (علیه السلام) فراخواند او را از مسجد بیرون می‌کنند و مانعش می‌شوند؟

پاسخ:

جایز نیست مؤمن چیزی به این گمراهان اهدا کند. حق بر آنان عرضه شد و آن را نپذیرفتند؛ پس آنها تاجران دنیا هستند، و این از نظر خدا مسجد محسوب نمی‌شود بلکه دکانی برای تجارت و جمع‌آوری اموال مردم برای نمایندگان مراجع است تا از آن بهره‌مند شوند. چه بسا وابستگی از این نمایندگان در اروپا بی‌هیچ عملی بر این اموال تسلط دارند و بخشی از آنها را برای مراجعشان می‌فرستند. مراجعی که اموال برایشان فرستاده می‌شود یک‌سوم یا نیمی از این اموال را به همین کسانی که اموال شمارا جمع‌آوری می‌کنند پرداخت می‌کنند و به همین دلیل آنها را می‌بینی که دیوانه‌وار به دنیای چرک و پلید خود چنگ زده‌اند؛ همان دنیایی که می‌خواهند با زشت‌ترین روش‌ها به آن دست پیدا کنند -یعنی فریب و نیرنگ مردم به اسم دین- و اگر کسی بخواهد مطمئن شود می‌تواند به نجف برود تا خودش این وضعیت را مشاهده کند. هر مرجعی نصف یا ثلث اموال را به نمایندگان خود که این اموال را برایشان جمع کرده‌اند

می دهند. برای اطمینان، شما به سادگی می توانید به نجف بیایید و از شیوخ معمم پیروان مراجع سؤال کنید. اگر عده‌ای از آنها جرئت کردند به شما دروغ بگویند و این قضیه را انکار کنند، کسانی در حوزه هستند تا حقیقت را به شما بگویند و از تصرفات مراجع و نمایندگانشان در اموال، پرده بردارند. بنده خودم شخصاً در قضیه اصلاح مالی حوزه که پیگیر آن بودم، در آن زمان تعداد زیادی از معممین مرا یاری می کردند. بسیاری از طلبه‌های حوزه از این فساد مالی مراجع و فرزندان و نمایندگانشان آگاهی داشتند ولی نمی توانستند راه حلی برای از بین بردن فساد مالی حوزه پیدا کنند؛ و یا آنها وقتی خود از این مراجع پیروی می کردند، در واقع خود را در جایگاه استضعاف قرار داده بودند.

برای شخص من ماجرای زیر پیش آمد: چندی پیش ازین، خداوند خواست تا یکی از کسانی که برای برخی از این مراجع در یکی از کشورهای دیگر (غیر از عراق) اموال جمع می کرد به بعضی از مؤمنان اعلام کند که به حقانیت دعوت مبارک مهدوی ایمان آورده است از خداوند می خواهم که به او توفیق دهد و آفات را از او دور نماید. ایشان از طریق عده‌ای از مؤمنان به دعوت، پرسشی را برایم فرستاد مبنی بر اینکه مقداری از اموال مراجع در اختیارش است. این اموال بالغ بر میلیون‌ها دلار بود و می خواست این اموال را به بیت‌المال انصار تسلیم کند. پرسش او این بود که چقدر از این مبلغ را مجاز است برای خودش و کسانی که به او در جمع کردن این اموال کمک کرده‌اند بردارد چرا که این کار در سیستم مراجع یک رویه طبیعی به شمار می آمد. او - که خداوند توفیقش دهد - نرسید ثلث یا نصف اموال را بردارد و فقط از جایز بودن برداشتن سهم خودش از اموال پیش از تسلیم کردن آن به بیت‌المال انصار پرسیده بود. به او گفتم این

کار را ترک کند و آن اموال را به صاحبانش برگرداند و دعوت را به آنان برساند؛ اگر آنها پذیرفتند اموالشان را بگیرد اگر نپذیرفتند ما نیازی به اموال آنها نداریم، آن اموال را به خودشان برگردان و هر طور که خودشان خواستند آنها را مصرف کنند. این، شاهد و گواهی بود که به تازگی برای خودم به وجود آمد که روشن می‌کند این مراجع، قانونی برای نمایندگان خود وضع کرده‌اند که طبق آن، می‌توانند نصف یا ثلث اموال شرعی (خمس) را بردارند تا جایی که مردم این موضوع را بی‌هیچ تردیدی به‌عنوان امری مشروع پذیرفته‌اند؛ این در حالی است که هیچ دلیلی مبنی بر اینکه شخصی که خمس را جمع می‌کند بتواند نصف یا ثلث اموال را بردارد، وجود ندارد.

این جانب پیشتر پی‌گیر این مسئله شده بودم -اینکه مراجع یک‌سوم یا نیمی از اموال را به نمایندگان خود که اموال را جمع‌آوری می‌کنند می‌دهند- و حتی برخی از این نمایندگان عادت کرده‌اند که پیش از تحویل دادن این اموال به مراجع، سهم خود را جدا کنند. در آن موقع بعضی از طلبه‌های حوزه را متوجه این مطلب کرده بودم و آنها را ترغیب کردم بروند و از مراجع در مورد دلیل شرعی مبنی بر پرداخت ثلث یا نصف این اموال به وکیلی که آنها را جمع‌آوری می‌کند سؤال کنند. آنها از پاسخ گفتن ناتوان بودند. برخی از آنان به آیه زکات استشهاد می‌کردند، درحالی که نمی‌فهمیدند که این آیه مخصوص زکات است نه خمس؛ عده‌ای دیگر می‌گفتند: ما از پیشینیان خود پیروی می‌کنیم؛ و به همین ترتیب پاسخ‌هایی می‌دادند که کمترین توصیف در موردشان، جهل و نادانی بود. خداوند شمارا توفیق دهد. به‌طور کلی این شخص انصاری که در هلند است -خداوند حفظش کند- اگر خواست مالی را اهدا کند به حسینیه‌ها و مساجد

مهدوی انصار در اروپا یا سایر کشورها یا برای کمک به یتیمان اهدا کند، یا برای گشایش شبکه ماهواره‌ای انصار امام مهدی علیه السلام اهدا کند، و جایز نیست مالی را برای تقویت شوکت این گمراهانی که شب و روز حجتی از حجت‌های الهی واجب‌الاطاعه را در شبکه‌های خود دشنام می‌دهند بیخشد؛ همان کسانی که از برگزار کردن مناظره با انصار در شبکه‌های خود فرار می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند عقاید باطلشان رسوا شود و از آوردن دلیل بر دین مرجعی گرای منحرف از دین محمد و آل محمد علیهم السلام ناتوان گردند. به همین دلیل آنها را چنین می‌یابی که به فحش و ناسزا و دروغ و تهمت و افترا بر دعوت و مؤمنان به دعوت بسنده می‌کنند و سعی در فریب دادن مردم با دروغ‌هایشان می‌نمایند.

سؤال:

آیا دریافت و خرج کردن مبالغی (خمس یا سهم امام) که از مراجع می‌گیریم مثل شهریه حوزه- جایز است؟

پاسخ:

کسانی که مراجع نامیده می‌شوند جایز نیستند خمس بگیرند و هیچ دلیلی بر آنچه انجام می‌دهند ندارند؛ ولی اگر آنها با خواست خودشان به دلیل طلبه بودن شما در حوزه، چیزی به شما دادند آن را بگیر؛ چراکه اگر این اموال به شما برسد برای آنها بهتر است، باشد که خداوند آنها را به حق و ترک باطلی که بر آن هستند هدایت فرماید.

پرسش‌های مربوط به اموات

پرسش ۸۸:

من فرزند شهید شیخ مهدی سماوی هستم که توسط نظام صدامی کافر همراه شهید سید محمدباقر صدر رحمته زندانی شده بود. جسد پدر شهیدم به ما تحویل داده نشد، اما از طریق اهل خیر به ما خبر رسید که جسد پدر شهیدم در «مقبرة الحضیری» در سماوه است و نمی‌دانم تکلیف شرعی‌ام چیست؟ با توجه به اینکه می‌دانم تدفین ایشان شرعی نبوده و ما یقین نداریم که آیا این جسد، جسد پدر شهیدم هست یا نه؟ بلکه تنها یک خبر است.

پاسخ:

اگر تنها یک گفته (خبر) است به آن اعتماد نشده، رها می‌شود، اما اگر شهادت و گواهی محسوب می‌شود می‌توان به آن اعتماد کرد و آن مکان را قبر او (خدایش بیامرزد) به حساب آورد و به زیارت او در آن قبر رفت؛ اما اگر می‌خواهی مطمئن شوی که آن جسد، جسد پدرتان است می‌توانید نبش قبر کنید و برای آزمایش DNA و حصول اطمینان، نمونه‌برداری کنید. در صورتی که برای مطمئن شدن نبش قبر کردید، می‌توانید آن جسد را جابه‌جا کرده، به صورت صحیح دفن کنید. اگر از عهدهٔ مخارج آزمایش DNA بر نمی‌آید بیت‌المال می‌تواند مخارج آن را تقبل کند.

پرسش ۸۹:

اگر کسی در خارج فوت کند آیا در خارج دفن می‌شود یا واجب است او را به کشورهای اسلامی منتقل کرد تا در آنجا دفن شود؟

پاسخ:

اگر منتقل کردنش ممکن باشد، بهتر است چنین شود.

پرسش ۹۰:

زمین‌های مزروعی که در زمان صدام غصب و در قالب زمین‌های دولتی تقسیم شد و صاحبانشان اکنون آن‌ها را نمی‌خواهند و خانه‌هایی در آن‌ها ساخته شده است؛ آیا سکونت در آن‌ها جایز است؟ آیا جایز است در چنین خانه‌هایی وارد شوم و در آن‌ها نماز بخوانم؟ برخی از این زمین‌ها تبدیل به جاده شده، آیا عبور از آن‌ها جایز است؟

پاسخ:

اگر صاحبان‌شان این زمین‌ها را نمی‌خواهند - که از ظاهر سؤال شما چنین برمی‌آید - اشکالی ندارد و سکونت در آن و عبور از آن‌ها جایز است.

پرسش ۹۱:

آیا شریک کردن چند میت در یک قربانی جایز است؟ و اگر جایز است آیا می‌توان نیت ذبح را تغییر داد و دیگران را در قربانی شریک کرد؟

پاسخ:

بز و گوسفند برای یک نفر و گاو برای هفت نفر کفایت می‌کند. پیش از ذبح و نحر کردن تغییر دادن نیت ذبح و شریک کردن دیگران به شرط اینکه از تعدادی که بیان کردم تجاوز نکند - جایز است.

ارث

پرسش ۹۲:

آیا حقوق بازنشستگی میت جزو ارث حساب می‌شود؟ آیا حقوق عقب‌افتاده، حق همه خانواده میت هست؟ با توجه به اینکه قانون، حق دختری که ازدواج کرده و پسری که در حال تحصیل نیست را از حقوق بازنشستگی منتفی می‌داند. آیا در این مورد، شرع برای آن‌ها حقی واجب می‌کند؟ حق پسری که در کشوری دیگر در حال تحصیل است و ما نمی‌توانیم ثابت کنیم که او در حال تحصیل است و حقوقش نیز قطع شده و در نهایت حق او بین همسر و پسر کوچکش تقسیم شده و اکنون حقوق بازنشستگی فقط به اسم همسر و پسر کوچک می‌آید چطور؟

پاسخ:

دیگران با کسانی که آن مال به آنها داده شده است شریک نیستند.

پرسش ۹۳:

مردی از دنیا رفته و خانه‌ای برای فرزندان (پنج پسر و دو دختر) منزلی به جا گذاشته است و همه آنها با مادرشان در آن خانه ساکن هستند. سه پسر در این خانه ازدواج کرده‌اند که هر کدام یک اتاق دارند. یکی از پسران که ازدواج کرده است اقدام به ساختن طبقه بالایی ساختمان کرد که با مخالفت یکی از برادرانش مواجه شد، مبنی بر اینکه اگر خانه فروخته و سهم‌ها تقسیم شود تو نمی‌توانی از ما هزینه‌های ساخت (آن طبقه) را بگیری. او باینکه چیزی نگیرد موافقت کرد و بعد از چند سال به اتاقی که در آن ازدواج کرده بود رفت و طبقه بالایی را اجاره

داد، با توجه به اینکه اجاره‌بها را خودش دریافت می‌کرد؛ و چند سال به همین ترتیب سپری شد. امروز او از دیگر برادرانش می‌خواهد خانه را بدون طبقه بالایی قیمت‌گذاری کنند تا بتواند مابه‌التفاوت قیمت خانه و طبقه بالایی را علاوه بر سهمش از خانه بگیرد. حال سؤال این است:

۱- آیا تصرف در سقف خانه ارثی از سوی یکی از ورثه جایز است؟

۲- آیا باقی ورثه در اجاره‌بهای طبقه بالایی سهمی دارند؟ و اگر سهم دارند چگونه آن را بگیرند درحالی که چند سال از این موضوع گذشته و (ارزش) پول کشور تغییر کرده است.

۳- طبقه بالایی از آن کیست؟ آیا او می‌تواند آن را تخریب کند یا نه؟

۴- او همیشه ساکن آن طبقه بوده است. آیا می‌تواند در خانه‌ای که این طبقه رویش ساخته شده است تصرف کند؟ و اگر دیگر ورثه جمع شوند تا تصرفی در خانه کنند آیا او می‌تواند مانع شود؟

پاسخ:

بهای آنچه او ساخته از آن او است؛ پس سؤال شما از اینکه آیا شما از آن چشم‌پوشی کنی صحیح نیست؛ اما شما در بهره‌برداری از سایر موارد (جدا از آنچه او بنا کرده است) حق دارید؛ یعنی ارزش زمین جداگانه و قیمت بنایی که او ساخته نیز جداگانه محاسبه و اجاره‌بها با توجه به قیمت زمین و بنایی که او ساخته است، قسمت می‌شود؛ هر مقدار که مختص بنا است از آن او هر مقدار از اجاره‌بها که به زمین تعلق دارد، برای تمام ورثه و همچنین او (که از ورثه است) می‌باشد.

در مورد تقسیم ارث، هرزمانی که یکی از ورثه یا بعضی از آنها خواستار تقسیم شوند باید ارث را تقسیم نمود، یا حداقل حق کسی را که خواستار تقسیم شده است باید داد و مخالفت یک نفر یا بیشتر آنها با تقسیم کردن، اثری در متوقف کردن تقسیم ارث ندارد. ارث حق وارث است و بعضی از ورثه حق به تأخیر انداختن استفاده سایرین از ارث را ندارند.

احکام عمومی مردان و زنان

پرسش ۹۴:

حکم حضور در مکان‌های مختلط چیست؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۹۵:

آیا درحالی که بعضی از مردم پاک و طاهر نیستند نام‌گذاری فرزندان به بعضی از صفات خداوند بزرگ و بلندمرتبه مثل «طاهر» جایز است؟

پاسخ:

در اسم طاهر اشکالی وجود ندارد، و ان شاء الله مؤمن، پاک و طاهر است.

پرسش ۹۶:

آیا سوراخ کردن هرجایی از بدن و قرار دادن حلقه در آن جایز است؟

پاسخ:

سوراخ کردن پایین گوش (لاله گوش) و قرار دادن حلقه در آن برای زن و مرد جایز است.

پرسش ۹۷:

حجامت برای زنان چه حکمی دارد؟ از یکی از برادران شنیدم او روایتی خواند که می گفت حجامت به خودی خود برای زن مکروه است.

پاسخ:

می توان به جای حجامت خون داد، چه برای مرد و چه برای زن؛ خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام های تان را استوار سازد.

پرسش ۹۸:

از نظر بیولوژیکی چرا بعضی از اشخاص چپ دست هستند (با دست چپ می نویسند)؟ آیا شما به ازدواج نکردن با این افراد توصیه می فرمایید؟

پاسخ:

به کار گرفتن دست چپ در بیشتر کارها- به جای دست راست یک ویژگی ژنتیکی است و ارث برده می شود؛ و حکم ازدواج با چپ دست مثل ازدواج با دیگران است.

پرسش ۹۹:

از امام آموخته ایم که بوسیدن دست والدین و بچه های کوچک جایز است. آیا این حکم در مورد برادر، خواهر و معلم هم جاری است؟ یعنی آیا بوسیدن دست غیر فقها جایز است؟

پاسخ:

از این کار پرهیزید؛ خداوند شمارا توفیق عطا فرماید و گام‌هایتان را استوار بدارد. این سنت بدی است و غالباً تکبر را برمی‌انگیزد. والدین، فرزندان و زن و شوهر فقط به دلیل رابطه بسیار نزدیک بدنی است (که بوسیدن دستشان اشکال ندارد) و بعید است که بوسیدن دست پدر، مادر، فرزند، شوهر و زن باعث برانگیختن تکبرشان گردد.

پرسش ۱۰۰:

حکم پاسور بازی و تخته‌نرد چیست؟

پاسخ:

این پرسشی است که پیش‌تر پاسخ گفته‌ام ولی منتشر نشده است:

پرسش ۱:

حکم شطرنج بازی کردن اگر مرا از نماز و واجبات باز ندارد- چیست و همین‌طور اگر به دلیل شرط‌بندی و مسائل دیگر و همچنین به جهت اعتیاد به آن نباشد و گاهی فقط برای گذران وقت با دوستم و برای آرامش باشد؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم.

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة
و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

خداوند توفیقت دهد و گام‌هایت را استوار بدارد. بازی شطرنج

جایز است؛ اگر حرامی مانند شرط بندی و قمار همراهش نباشد.
 خداوند توفیقتان دهد و گام هایتان را استوار بدارد.
 والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

احمدالحسن
 صفر ۱۴۳۳ هـ

پرسش های مربوط به بانوان

پرسش ۱۰۱:

بعضی از وسایل سونوگرافی مجهز به دوربینی هستند که برای تشخیص وضعیت بیمار و دیدن داخل رحم و تخمدان داخل شکم زن می شود. سؤال:
 ۱- اگر این نوع سونوگرافی را پزشک زن انجام دهد، آیا جایز است زن مؤمن به آن رضایت دهد؟
 ۲- اگر جایز باشد آیا روزه زن باطل می شود؟

پاسخ:

اگر معاینه توسط پزشک زن انجام شود جایز است، وارد کردن ابزار معاینه در مجاری تناسلی به خودی خود- باطل کننده روزه نیست.

پرسش ۱۰۲:

حکم استفاده زن از پودر آرایشی چیست؟ آیا می توان این پودر یا مقدار کمی از آن را به صورت خفیف و ملایم به صورت زد و از منزل خارج شد؟ و آیا حکم زن ازدواج کرده با زن ازدواج نکرده متفاوت است؟

پاسخ:

آرایش کردن صورت و خارج شدن با آن در برابر نامحرم و غیر شوهر جایز نیست، و تفاوتی نمی‌کند که زن ازدواج کرده باشد یا نه.

پرسش ۱۰۳:

آیا آرایش (آرایش صورت) برای غیر از شوهر مثل غریبه‌ها و محارم جایز است؟

پاسخ:

آرایش کردن زن جلوی شوهر و محارم مثل پدر جایز است، ولی جایز نیست جلوی نامحرم آرایش کند.

پرسش ۱۰۴:

آیا جایز است زن با پای پیاده به زیارت ائمه علیهم‌السلام برود؟

پاسخ:

اگر راه، امن باشد و ترسی از هتک حرمت و نظایر آن وجود نداشته باشد، جایز است.

پرسش ۱۰۵:

در زمان ما اینکه پزشکان هنگام زایمان برای کم شدن درد، بیهوشی اپیدورال (epidural anesthesia) را برای خانم‌ها تجویز می‌کنند زیاد شده است. آیا شما به انجام آن توصیه می‌فرمایید؟ آیا -آنگونه که روایت شده است- این عمل قسمتی از پاداش به دنیا آوردن فرزند را از بین می‌برد؟

پاسخ:

در صورت عدم ضرورت بهتر است از آن اجتناب شود.

پرسش ۱۰۶:

حکم باز گذاشتن صورت برای زن در کشوری که پوشاندن صورت در آن مرسوم است چیست؟ آیا باز گذاشتن صورت بهتر است یا پوشاندن آن؟ و آیا حضرت زهرا (علیها السلام) صورت خود را می پوشاند؟

پاسخ:

باز گذاشتن صورت برای زن جایز است و حضرت زهرا - که سلام و صلوات خدا بر او باد- صورت خود را نمی پوشاند و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز همسران خود را به پوشاندن صورت هایشان فرمان نمی داد. بلکه اینکه زن‌ها در شبه جزیره عربستان صورت هایشان را در سفر می پوشاندند بنا به دلیلی شرعی نیست و فقط به علت گرمای خورشید انجام می شود؛ اما در کشور یا جامعه‌ای که مرسوم در آن پوشاندن صورت است، به جهت مراعات عرف غالب، پوشاندن صورت بهتر است ولی واجب نیست. آیا نمی بینید که زن در حج صورت خود را باز می گذارد؟ اگر واجب یا مستحب می بود هنگامی که او در حج و در حال عبادت و در میان انبوهی از مردان است و وجوب و استحبابش شدیدتر می شد. اسلام نقش زن را به طور کامل به او داده است و پوشاندن صورت از انجام بیشتر کارهایی که زن می تواند انجام شان دهد و در آن نوآوری داشته باشد و خدمت بزرگی به جامعه برساند، مانع می شود.

پرسش ۱۰۷:

من زنی باردار هستم و خونی با درد شدیدی از من خارج شد. نمی‌دانم آیا جنین در شکم من مرده است یا نه و نمی‌توانم به بیمارستان مراجعه کنم تا از مرگش مطمئن شوم و (جنین) هنوز در شکم من است. در مورد نماز و روزه‌ام چگونه عمل کنم؟

پاسخ:

نماز و روزه بر شما واجب است.

پرسش ۱۰۸:

آیا برای زن جایز است در مکان‌های مختلط کار کند؟ و آیا این حکم با رضایت یا عدم رضایت شوهر متفاوت می‌شود؟ با توجه به اینکه او از حقوقی که از این راه به دست می‌آورد بی‌نیاز است و شوهرش اسباب زندگی محترمانه را برایش فراهم می‌کند. در ضمن نبودن این زن در منزل گاهی منجر به کشف عورت بچه زیر چهار سال می‌شود.

پاسخ:

کار کردن زن حلال است و اشکالی ندارد، ولی در صورت نارضایتی شوهر نسبت به کار زن و به عهده گرفتن معیشت همسرش، جایز نیست از شوهرش نافرمانی کند و بدون اجازه او از منزل خارج شود.

پرسش ۱۰۹:

خواهری ۱۲ ساله دارم. شکر خدا او به حق ایمان دارد و می‌خواهد ملتزم به شرع خداوند سبحان و متعال شود. مدت‌ها پیش به او گفته‌ام که از نه‌سالگی

هجری قمری) مکلف شده است. او می‌خواهد حجاب داشته باشد ولی پدر و مادرم به شدت معترض هستند و هر بار بر سر همین موضوع مشاجره سختی درمی‌گیرد. من این را می‌دانم که شما برادران و خواهران را نصیحت فرموده‌اید که کارهایی که موجب تنفر مردم از دعوت می‌شود را انجام ندهند، ولی از حدود آن اطلاع ندارم. حجاب، واجب و تکلیف الهی است و می‌دانیم که در قرآن کریم خداوند سبحان و متعال می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آن دو بکوشند که تو چیزی را که به آن علم نداری شریک من قرار دهی، اطاعتشان مکن. بازگشت همه شما تنها به سوی من است. پس شمارا به آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهم).

آیا بحث و مجادله با آنها را (که هر بار به مشاجره ختم می‌شود) ادامه دهیم؟ یا راه دیگری برای قانع کردن آنها وجود دارد؟ یا اینکه خواهرم حجاب خود را بیوشد و آنها را در برابر عمل انجام‌شده قرار دهد؟ (همان‌طور که برای من چنین شد).

پاسخ:

از خدا می‌خواهم بر شما و خانواده‌تان برکت عطا فرماید و خیر آخرت و دنیا را روزی‌تان کند. او سرپرست من است و سرپرست شایستگان. در طاعت خداوند منتظر رأی و نظر والدین خود نباش، ولی در هر وضعیتی با آنها با احسان و نیکویی رفتار کن. خداوند شمارا موفق و گام‌هایتان را استوار بدارد. حجاب را

بیوش و ان شاء الله خداوند کارهایتان را در آنچه خیر آخرت و دنیایتان است آسان می‌گرداند.

پرسش ۱۱۰:

مرا در مشکل بد اخلاقی و اعتیاد همسرم به مواد مخدر و اینکه او نماز نمی‌خواند کمک کنید. او را نصیحت کردم ولی فایده ندارد. چه توصیه‌ای می‌فرمایید؟ من چه کنم؟

پاسخ:

اگر معتاد به مواد مخدر است و نماز نمی‌خواند او را نصیحت کن و اگر نصیحت فایده نداشت، از بعضی مؤمنان بخواه تا او را نصیحت کنند، چه بسا خداوند او را اصلاح و به ایمان هدایت کند. اگر دیدی به بن بست رسیدی و خواستی از او جدا شوی، این جایگاه و حق تو است. از خدا می‌خواهم که به تلاش‌های شما برکت دهد که او مهربان‌ترین مهربانان است.

پرسش ۱۱۱:

شخصی همسرش را به شدت کتک زده است طوری که اثر آن در بدنش باقی است، و همین‌طور دخترش را برای به هم زدن نامزدی‌اش کتک زده است. آیا دیه بر او واجب است؟ حکم کتک زدن چیست؟

پاسخ:

او باید برای کارش استغفار و درخواست بخشش کند؛ اما در مورد دیه، کسی که آسیب دیده است می‌تواند به دادگاه شرعی شکایت کند و ببیند آیا دیه به او تعلق می‌گیرد یا خیر.

پرسش ۱۱۲:

آیا عکس انداختن زن به صورت بی حجاب برای دریافت گذرنامه جایز است؟ با توجه به اینکه این مسئله از سوی دولت‌هایی که در آنها زندگی می‌کنند شرط است.

پاسخ:

اگر ناچار باشد با کلاه گیس یا موی مصنوعی عکس بگیرد و جایز نیست که در حضور نامحرم حجاب از سرش بردارد.

پرسش ۱۱۳:

می‌دانم آرایش کردن حرام است، اما در صورت بودن عیوبی در پوست صورت که موجب جلب توجه می‌شود ناچار به پوشاندن عیب‌ها با کرم صورت به شکلی ملایم بر روی لکه‌ها می‌شوم تا از مشکلات جلوگیری کنم. آیا این کار جایز است؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۱۱۴:

کدام بهتر است: درس خواندن در حوزه مهدوی یا ماندن در کنار شوهر (برای انس)؟ انتخاب کردن حوزه یا ماندن در کنار مادر، تنها برای همان هدف قبلی؟

با توجه به اینکه من از حوزه مبارک مهدوی بهره‌های فراوانی برده‌ام و با توجه به اینکه هر دوی آنها (شوهر و مادر) مؤمن نیستند و صحبت با آنها درباره

این دعوت حق فایده‌ای ندارد.

پاسخ:

میان احسان و نیکوکاری به شوهر، مادر یا والدین و درس خواندن تعارضی وجود ندارد. می‌توانی هر دو را تا حد امکان داشته باشی. خداوند شمارا موفق و گام‌هایت را در آنچه مورد رضایش است استوار بدارد.

ازدواج دائم و موقت

پرسش ۱۱۵:

آیا اجرای عقد نکاح دائم یا موقت- از طریق تلفن یا برنامه‌های گفت‌وگوی اینترنتی مثل پالتاک و نظایر آن- درحالی که شاهد‌ها، شوهر و زن در یک اتاق هستند، صحیح و عقد کامل است؟

پاسخ:

اگر با وجود قرینه‌ای تشخیص کامل از هر دو طرف شوهر و زن وجود داشته باشد با شکل یا با اسم یا با هر وسیله تشخیصی دیگری که انسان را از دیگر هموعانش متمایز می‌کند- جایز است. برای شهود هم شرط است که آنها نیز آنچه برای مشخص نمودن هر یک از زوجین لازم است را در اختیار داشته باشند، خواه توانایی آنها بر شناسایی باشد یا معلوماتی که این مشخص شدن را برساند مثل اسم و شکل. حکم مسئله در اعلان هم به همین صورت است. این موارد به‌طور معمول در عقدی که بین دو زوجی که همدیگر را ملاقات می‌کنند و همچنین در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند در دسترس می‌باشند؛

زیرا کسانی که شاهد هستند یا کسانی که این ازدواج میانشان مشهور می‌شود، زوجین را می‌شناسند و آنها را شناسایی می‌کنند؛ اما اگر عقد به وسیلهٔ وسایل ارتباط از راه دور مثل تلفن و اینترنت- باشد، باید شرایط آن رعایت شود و از معلوماتی که برای همه برای تشخیص دادن کافی است، اطمینان حاصل شود. در اینجا مسئله‌ای وجود دارد که باید به آن توجه داشته باشیم؛ اینکه توثیق ازدواج به صورت کتبی بهتر از شفاهی بودن آن است. هدف، حفظ نسب و حقوق است و این هدف با نوشتن به صورت بهتری محقق می‌شود؛ نسبت به وضعیتی که عقد و شاهد گرفتن فقط به صورت شفاهی باشد.

پرسش ۱۱۶:

سخن حقی در این فتوای فقهای گمراهی نمی‌بینم که به جایز بودن عقد با دختر کوچک به دلیل وارد شدن به خانهٔ مادرش برای نگاه کردن به او نظایر آن فتوا می‌دهند. آیا این کار جایز است؟

پاسخ:

عقد کردن زن، به جهت ازدواج است، نه برای لهو لعب: (سخن حقی در این فتوای فقهای گمراهی نمی‌بینم که به جایز بودن عقد با دختر کوچک به دلیل وارد شدن به خانهٔ مادرش برای نگاه کردن به او نظایر آن فتوا می‌دهند). این کار عبث و لهو لعب است و ارتباطی با دین و اخلاق ندارد.

وقتی اسلام ازدواج با دختر کوچک را تشریح می‌فرماید به معنای دختری است که نزدیک بلوغ است، نه دختری که شیرخوار یا طفلی کوچک است، و حتی ازدواج با دختر صغیر یا بالغ کم سن و سال به جهت ضرورت تشریح شده

است؛ چه بسا حادثه‌ای برای مردم رخ دهد مثل اینکه تعداد کمی از نوع بشر باقی بماند و ترس از انقراض بشر یا مؤمنان وجود داشته باشد که در این صورت ازدواج با کم سن و سال باعث بیشترین زادولد ممکن و حفظ نوع بشر یا مؤمنان می‌شود. تشریحات عبث و بیهوده نیست؛ خداوند شمارا موفق بدارد؛ بنابراین ازدواج با صغیره معنایی ندارد و تنها برای ضرورت، تشریح شده است و نه بیهوده و برای لهو لعب.

پرسش ۱۱۷:

مردی تقریباً دو هفته است که ازدواج کرده و خواهان ذریه صالحی است که قائم و مه‌دین (علیه السلام) را یاری کنند. آیا آدابی برای پیش از جماع یا دعا یا نماز خاصی وجود دارد؟

پاسخ:

این مورد را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام. متن آن را برای شما نقل می‌کنم: مستحب است کسی که می‌خواهد نزدیکی کند، دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن دعا کند، و هنگامی که به همسرش گفت که نزدش بیاید، به او نیز امر کند دو رکعت نماز بخواند و دعا کند. مستحب است هر دو با طهارت باشند، و هنگامی که زن نزد او آمد دستش را روی پیشانی او قرار دهد و این دعا را بخواند: (اللهمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهُا، وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحَلَّتْ فَرْجَهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً، وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكَاً شَيْطَان) (خدایا! بر اساس کتاب تو با او ازدواج کردم و او را به‌عنوان

امانت از تو گرفتم، و با کلمات تو فرج او را بر خود حلال کردم و اگر برای من در رحم او فرزندی مقدر فرمودی او را مسلمانی درست قرار بده و شیطان را در او شریک نکن).

مستحب است نزدیکی در شب انجام شود، بانام خدا شروع کند، و از خداوند متعال بخواهد که فرزندی پسر و سالم روزی‌شان گرداند.^(۱)

پرسش ۱۱۸:

مردی با زن شوهردار سال‌ها پیش زنا کرده است. سپس آن دو از هم جدا شده و توبه کرده‌اند و پس از مدتی اتفاقی همدیگر را دیده‌اند و مرد فهمیده که شوهر آن زن چند سال است که فوت کرده است. آیا می‌تواند با او ازدواج کند؟

پاسخ:

کسی که با زنی زنا کند ازدواج با او برایش حرام نمی‌شود؛ ولی اگر با زن شوهردار یا کسی که در عدهٔ رجعی است زنا کند برای همیشه بر او حرام می‌شود.

پرسش ۱۱۹:

جوانی با زن شوهرداری زنا کرده و از کار خویش پشیمان است. بعد از گذشت چند سال آیا می‌تواند با یکی از خواهرهای آن زن ازدواج کند؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۱۲۰:

شخصی دوست‌دختری داشت که بدون عقد با او نزدیکی می‌کرد. سپس با وی عقد موقت و پس از آن عقد دائم جاری کرد، حکمش چیست؟

پاسخ:

اگر نزدیکی آنها زنا بوده باشد (قبل از عقد) و زن دارای شوهر بوده باشد یا مطلقه‌ای بوده که هنوز روزهای عده‌اش تمام نشده باشد، آن زن بر مرد زناکار حرام می‌شود؛ اما اگر زن، شوهر نداشته باشد و در عده نیز نبوده باشد، آن مرد می‌تواند با او ازدواج نماید.

پرسش ۱۲۱:

آیا جایز است یک زن انصاری با مردی که مؤمن به دعوت حق و صاحب آن نیست، ازدواج کند؟

پاسخ:

جایز است اگر مسلمان باشد ولی ناصبی نباشد؛ اما مکروه است.

پرسش ۱۲۲:

شخصی ازدواج نکرده است. آیا می‌تواند با زن عامی (اهل سنت) ازدواج کند؟ یا منتظر فرج و گشایشی باشد؟

پاسخ:

در ازدواج با زن مسلمان مخالف که دشمنی با اهل بیت ندارد اشکالی وجود ندارد، و اگر خواهان بهتر هستی به این سخن رسول خدا ﷺ عمل کن: (... أظفر

بذات الدین تربت یداک»^(۱) (... تو قطعاً زن دین دار را برگزین).^(۲)

پرسش ۱۲۳:

آیا ازدواج با بیش از یک زن بدون اینکه مرد رضایت همسرش را در این خصوص بگیرد صحیح است؟ آیا همسر در این خصوص صاحب رأی و نظر است یا اینکه شرعاً صحیح است که مرد بدون مراجعه به همسرش مجدداً ازدواج نماید؟

پاسخ:

مرد می تواند بدون اینکه زن اولش را باخبر سازد، ازدواج دومش را انجام دهد.

پرسش ۱۲۴:

آیا جایز است زن علوی با مردی که نَسَبش به رسول خدا ﷺ نمی رسد ازدواج کند؟

پاسخ:

۱- کافی: ج ۵ ص ۳۳۲.

۲- توضیح عبارت «تربت یداک»: تربت یداه، یعنی او به خیر نرسد؛ و این کلمه ای است که عرب گاه در مدح و گاه در ذم آورد، مانند لا اب لک و لا ام لک و لا ارض لک و نظایر آن. (منتهی الارب) (ناظم الاطباء). صاحب اقرب الموارد گوید این از سخنانی است که عرب آن را به صورت دعا استعمال کنند ولی مرادشان دعا نیست بلکه تحریک و تشویق است و گویند: فعلیک بذات الدین تربت یداک؛ و در صحاح آمده که این جمله ی دعائیه است یعنی به خیر نرسی، ولی معنی اول صحیح است. (منبع: ویکی پارسی - مترجم).

جایز است.

پرسش ۱۲۵:

حکم ازدواج مرد بدون موافقت والدینش چیست؟

پاسخ:

جایز است مرد با کسی که قصد کرده است ازدواج کند؛ حتی اگر والدینش موافق نباشند.

پرسش ۱۲۶:

آیا عزل (بیرون ریختن منی از رحم) جایز است؟

پاسخ:

عزل از زن آزاد اگر در عقد شرط نشده باشد و زن نیز اجازه ندهد حرام است.

پرسش ۱۲۷:

شخصی با دیگری لواط کرده است؛ آیا می‌تواند با یکی از محارم کسی که لواط شده ازدواج کند؟

پاسخ:

مادر، خواهر و دختر کسی که لواط شده بر او حرام هستند؛ ولی اگر قبلاً یکی از آنها را عقد کرده باشد، حرام نمی‌شوند.

پرسش ۱۲۸:

شوهر زنی جنون ادواری دارد و دارو مصرف می‌کند تا در حالت طبیعی

بماند، ولی در حال نزدیکی با همسرش حالت جنون به او بازمی‌گردد. حکم امتناع زن از نزدیکی با شوهرش چیست؟

پاسخ:

جایز نیست مانع شوهرش شود مگر اینکه به‌عنوان مثال برای مدت‌زمانی باشد که امید بهبودی وجود داشته باشد.

پرسش ۱۲۹:

اگر ازدواج دائم به‌صورت شرعی انجام گرفته و در دفاتر رسمی دولت ثبت شده باشد که زن یا مرد بتواند در دولت اقامت داشته باشد، آیا مرد می‌تواند حقوقش بر زن مثل تمکین و سایر موارد- را ساقط کند یا زن حقوقش بر مرد مثل نفقه و موارد دیگر- را ساقط کند و ازدواج به این شکل بین آنها برقرار باشد؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۱۳۰:

آیا امکان دارد که عقد موقت برای شش ماه با تعیین مهر و شهادتِ شهود خوانده شود و شرط شود که نگاه کردن، صحبت کردن و مسافرت انجام شود ولی دخول و لمس کردن نباشد؟

پاسخ:

جایز است.

پرسش ۱۳۱:

آقای من! امان امان از کار بزرگ و زشتی که انجام داده‌ام. توبه توبه از آنچه انجام داده‌ام.

ازدواج موقت کردم و بدون گرفتن شهود یا اعلان، با همسرم نزدیکی کردم وقتی به این مسئله در پاسخ‌های فقهی مراجعه کردم، خطایی که انجام داده بودم برایم آشکار شد؛ ولی من در آن موقع از حکم شرعی آگاه نبودم. اکنون چه کنم؟ بعد از آگاهی از کاری که انجام داده‌ام چه چیزی بر عهده من است؟ آیا آنچه انجام داده‌ام زنا محسوب می‌شود؟

خداوند متعال و ملائکه‌اش را گواه می‌گیرم که شاهد گرفتن یا علنی کردن را از روی عمداً ترک نکردم؛ من فقط به حکم و جوب آن آگاه نبودم و اگر می‌دانستم هرگز آن را ترک نمی‌کردم.

آقای من! پشیمانی و حزن و اندوه وجودم را فرا گرفته و قصد توبه دارم. مرا از عذابی که بر من سایه افکنده نجات بده! از جهلی که باعث ترک واجب و انجام حرام شده است!

پاسخ:

انشاءالله چیزی بر عهده شما نیست، اگر از حکم شرعی آگاه نبوده باشی. خداوند شما را موفق و گام‌هایتان را استوار بدارد. از خدا می‌خواهم که با رحمتش شمارا سرپرستی کند و ثواب عظیم به شما عطا فرماید؛ به جهت ترسی که از تعدی حدودش داری. او سرپرست من است و سرپرست شایستگان.

پرسش ۱۳۲:

مردی، زنی را دو سال به عقد موقت خود در آورده و به دلیل وضعیت خاص زن و ترس از خانواده و اولادش و همچنین به دلیل جلوگیری از جدا شدن از خانواده‌اش، شخص سومی در جریان کار آنها نبوده است. حکم آنها چیست؟

پاسخ:

در این حالتی که شما بیان کردید چه بسا «اشهار» (اعلان عمومی) مشکل باشد ولی گرفتن شهود سخت نیست. باید با شاهد گرفتن، دوباره عقد را با او جاری کند و به شاهد‌ها توصیه شود که این موضوع پنهان بماند مگر برای ضرورت یا اثبات حقوق.

پرسش ۱۳۳:

زنی بدون اینکه دخولی صورت گرفته باشد- ازدواج موقت کرده و در زمان صیغه عقد موقت، عقد دائم خوانده است. حکم شرعی این مسئله چیست؟

پاسخ:

جایز و ازدواج دائمش صحیح است.

پرسش ۱۳۴:

حکم ازدواج موقت چیست؟ آیا جایز است فقط به جهت حلال شدن صحبت کردن (زوجین) خوانده شود؟ یعنی اگر به دلیل وجود خصوصیت خاصی در این شخص و عدم امکان ارتباط، ازدواجی به این صورت انجام شود. هدف از این سؤال فقط عدم ارتکاب فعل حرام است.

پاسخ:

ازدواج موقت، جایز است.

- ۱- در ازدواج موقت و دائم حضور شهود (دو شاهد عادل) یا اشهار (علنی کردن) شرط است و محقق شدن یکی از این دو شرط کفایت می‌کند.
 - ۲- کم‌ترین مدت برای ازدواج موقت، شش ماه است.
- گفت‌وگویی زن با مردان حرام نیست و حلال شدنش نیازی به ازدواج ندارد.

پرسش ۱۳۵:

آیا مخفی بودن ازدواج موقت، باطل کننده‌اش است؟ و آیا وجود شاهد لازم است؟ یا عقد تنها با طرفین عقد کامل می‌شود؟

پاسخ:

در عقد ازدواج، حضور دو شاهد شرط است و یا آنکه ازدواج مشهور گردد (اعلان شود) و اگر دو شاهد حضور داشته باشند مشهور کردن ازدواج، مستحب است. اگر دو شاهد نبود مشهور کردن ازدواج قبل از نزدیکی، واجب است. بدون شاهد، عقد ازدواج، متوقف بر مشهور شدن است و اگر بدون در نظر گرفتن این شرایط زن و مرد نزدیکی کنند کار حرام مرتکب شده‌اند و اگر این کار تکرار شود معصیت تکرار شده است تا موقعی که ازدواج، مشهور شود؛ اما فرزند، مانند موارد شبهه به پدر منسوب می‌شود.

شهادت به وسیله دو شاهد انجام می‌شود؛ مشهور کردن و اعلان ازدواج بعد از بستن عقد و قبل از نزدیکی انجام می‌شود و به وسیله آنچه در عرف، اعلان و مشهور کردن نامیده می‌شود مثلاً دعوت به ولیمه عروسی یا شناساندن مردم به وسیله‌ای که رایج است- تحقق می‌یابد.

پرسش ۱۳۶:

حقوق زن در ازدواج موقت چیست؟ و چه چیزهایی بر او واجب است؟

پاسخ:

در این نوع ازدواج، زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند ولی اگر هر دو یا یکی از آنها ارث را شرط کند عمل کردن به شرط لازم می‌شود. مرد می‌تواند برای زن شرط کند که شب یا روز پیش او باشد. جایز است که شوهر عزل کند (منی را در رحم نریزد) و (این کار) منوط به اجازه زن نیست. در این ازدواج، طلاق وجود ندارد و با انقضای مدت، از هم جدا می‌شوند. لعان، ظهار و ایلا در آن واقع می‌شود و ترک نزدیکی با زن بیش از چهار ماه همانند ازدواج دائم- حرام است؛ و همچنین زن نفقه دارد.

پرسش ۱۳۷:

آیا بعد از پایان مدت، عده دارد یا اگر شوهرش در دوران عقد فوت نماید، باید عده نگه دارد؟

پاسخ:

عده آن دو حیض است. بعد از زمان وفات حتی اگر دخول صورت نگرفته باشد، چهار ماه و ده روز است اگر حائل باشد؛ اگر حامله باشد از این دو مدت زمان، طولانی‌تر می‌باشد.

پرسش ۱۳۸:

آیا مردی از انصار که به شما ایمان دارد می‌تواند با زنان مخالف یا زنان اهل کتاب ازدواج موقت کند؟ و آیا ازدواج دائم با زن اهل کتاب صحیح است یا

خیر؟

پاسخ:

جایز است که مرد مؤمن با زن مسلمان مخالف و زن اهل کتاب ازدواج کند ولی ازدواج با زن ناصبی جایز نیست.

پرسش ۱۳۹:

آیا زن باکره باید ولی‌اش را از ازدواج موقت مطلع کند اگر بالغ باشد، ۳۵ ساله باشد، پدرش فوت کرده باشد و برادر بزرگ‌تری هم نداشته باشد؟

پاسخ:

زن بالغ رشید (کسی که به ۱۸ سال رسیده باشد و رسیدن به سن تکلیف به تنهایی کفایت نمی‌کند) می‌تواند خودش ازدواج کند (چه دائم باشد، چه موقت) ولی او نمی‌تواند اعتراض نماید، چه باکره باشد و چه قبلاً شوهر کرده باشد.

پرسش ۱۴۰:

می‌خواهم با دختری که پدرش سنی و مادرش شیعه‌ای است که فوت کرده (خداوند رحمتش کند) ازدواج کنم. وی با مادربزرگش یعنی مادر مادرش زندگی می‌کند و بر محبت اهل‌بیت بزرگ‌شده و اکنون شیعه جعفری است ولی وقتی در این مورد اقدام کردیم پدرش گفت من دخترم را به ازدواج یک شیعه در نمی‌آورم. آیا راه خروجی از این مشکل وجود دارد؟ متذکر می‌شوم که دختر ۲۱ ساله است و او خود با ازدواج موافق می‌باشد.

پاسخ:

اگر دختر ۲۱ ساله است نیازی نیست که برای ازدواج کردن موافقت پدر یا پدرزرگش را به دست آورد، و او این حق را دارد که ازدواج کند حتی اگر پدرش با آن مخالفت نماید.

ولایت پدر یا پدرزرگ (به شرط ایمان و عدالت) بر دختر بالغ، تا قبل از سن ۱۸ سالگی است، خواه دختر بیوه باشد خواه باکره.

ولایت این دو بر دختر باکره رشیده (دختری که به سن ۱۸ سالگی رسیده) پابرجا نیست و او در ازدواج دائم یا موقت بر خودش ولایت دارد.

و اگر حتی یکی از این دو او را ازدواج دهد، عقد او فقط با رضایت دختر صحیح و معتبر است. البته اینکه دختر به خودی خود و بدون اذن ولی اش ازدواج کند مکروه می باشد.

و اگر ولی، دختر بالغ را از ازدواج منع کند و اجازه ندهد با کسی که همسنگ اوست و دختر هم به وی رغبت دارد ازدواج کند، جایز است دختر خودش ازدواج کند حتی برخلاف میل ولی اش.

پرسش ۱۴۱:

برای دختر کدام یک بهتر است: ازدواج یا درس خواندن؟ و اگر کسی از انصار به خواستگاری او بیاید بهتر است درس را ترک کند و ازدواج نماید یا اینکه درسش را ادامه دهد؟ و اگر او از ازدواج خودداری ورزد آیا به خاطر اینکه اولیای خداوند را رد کرده است گناهی بر او خواهد بود؟ زیرا آنها قبول نمی کنند که این دختر درسش را تکمیل کند؛ و آیا او می تواند با غیر انصار

ازدواج کند؟ و آیا برای مرد نیز جایز است که با غیر انصار ازدواج کند؟

پاسخ:

اگر تعارضی بین ازدواج و درس خواندن باشد، برای زن ازدواج کردن بهتر است ولی اگر درس خواندن را ترجیح می‌دهد می‌تواند ازدواج را ترک گوید و به درس خواندن ادامه دهد، و اگر تعارضی بین این دو نباشد ازدواج کند و درفش را ادامه دهد.

زن مؤمن به حق می‌تواند با مرد مؤمن به ائمه و مهدیین (علیهم‌السلام) از اهل حق، یا با مسلمان مخالفی که با ائمه یا مهدیین (علیهم‌السلام) دشمنی نداشته باشد ازدواج کند. کراهت دارد که زن مؤمن با مرد غیر مؤمن ازدواج کند و برای او بهتر است که هم‌نشین غیر مؤمن نشود.

اما مرد مؤمن می‌تواند با زن مؤمن یا زن مسلمان مخالف که با ائمه یا مهدیین (علیهم‌السلام) دشمنی نداشته باشد ازدواج کند و همچنین او می‌تواند از اهل کتاب - چه مسیحی و چه یهودی - همسر اختیار کند.

طلاق

پرسش ۱۴۲:

آنچه در عقد ازدواج متعارف است این است که برای زن مبلغی را به‌عنوان مقدم (پیش‌پرداخت) و مؤخر (پرداخت بعدی) قرار می‌دهند. سؤال این است که اگر مؤخر زنی مثلاً هزار دینار عراقی و نزدیک سی سال از عقد او گذشته باشد و بخواهد از شوهرش جدا شود، آیا مبلغ مؤخر او همان هزار دینار در زمان فعلی

است یا به صورت دیگری محاسبه می شود؟

همچنین: آیا زن می تواند مؤخر خود را بعد از گذشت مدت زمانی از ازدواج از شوهرش درخواست کند درحالی که مشغول زندگی با او است؟

پاسخ:

اگر طلاق با توافق هر دو طرف است یا مرد می خواهد زنش را طلاق بدهد و زن خواهان طلاق نیست، مرد باید حقوق زن را به طور کامل بدهد و اگر قسمتی از مهر، مؤخر بوده و آن را به زن نپرداخته است، باید آن را به همان قیمت زمان پرداخت بپردازد؛ این در صورتی است که ارزش پول به نسبت ده درصد یا بیشتر تغییر کرده باشد و این تغییر با مقایسه با قیمت طلا یا پول دیگری که جهانی و پایدار است سنجیده می شود، و کسی که مال را می پردازد برای محاسبه تغییر می تواند به هر روشی که مناسب حالش است اعتماد کند.

اگر زن خواهان طلاق است و علت شرعی معقولی هم نداشته باشد، مرد می تواند او را طلاق ندهد و زن می تواند از او درخواست خلع کند و به طور مثال از بعضی از حقوق مالی خود کوتاه بیاید یا مبلغی را به عنوان عوض به مرد پرداخت کند. جزئیات خلع در کتاب شرایع موجود است.

اما اینکه زن، مؤخر یا قسمتی از مهریه را که نگرفته است درخواست کند، جایز است و حق او است و هر وقت بخواهد می تواند مطالبه کند.

خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام‌هایتان را استوار بدارد. به طور کلی طلاق عبارت است از عملیات ویران کردن بنیان خانواده در جامعه و در نتیجه، طلاق، ویران کننده کل جامعه است؛ پس تا حد امکان باید از آن اجتناب کنید. به

خودتان فرصت بدهید و پیش از اقدام به طلاق بسیار فکر کنید. من به خانم‌ها سفارش می‌کنم که برای خانواده خود مجال و راه نفوذی برای دخالت کردن میان او همسرش قرار ندهد؛ زیرا با تأسف، مادرها سبب بسیاری از طلاق‌ها هستند، چون بعضی از آنها در برابر پسرها و دخترهایشان با منیت برخورد می‌کنند و این خطای بزرگی است و کمتر از خطای بدی کردن و نافرمانی دختر و پسر نسبت به مادرش نیست. مادر حقی دارد؛ اینکه پسر و دخترش به او نیکی کنند و مرتب با او در ارتباط باشند - حتی اگر زندگی مستقلی داشته باشند - و همچنین مادر یا پدر باید با حکمت برخورد کنند و در زندگی فرزندان‌شان به گونه‌ای دخالت نکنند که خانه‌هایشان ویران و کارشان در نهایت به طلاق و جدایی منجر شود.

همچنین زن باید احترام خانه و شوهرش را داشته باشد و عفت خود را حفظ کند. مبالغه نمی‌کنم اگر بگویم بیشتر مردم به زن بی‌عفت همچون یک کیسه زباله می‌نگرند. مرد نیز باید احترام همسرش را داشته باشد و هر دو باید درک کنند که آنها دو شریکی هستند که در دو محیطی که تا حدودی متفاوت بوده است تربیت شده‌اند. آنها دو شخصیت هستند و شخص واحدی نیستند؛ به همین دلیل هر یک از آن دو خصوصیتی دارد که باید طرف دیگر آن را مراعات کند و هر دو باید در مواردی کوتاه بیایند تا زندگی مسیر صحیح را طی کند و فرزندان صالحی از آن خانواده حاصل شود که از آنها نیز فرزند صالح متولد شوند. زن باید به شوهرش اهتمام و توجه داشته باشد و با او مجادله نکند؛ چرا که به‌طور معمول مرد بیشتر از زن درگیر فشارهای اجتماعی است و به همین دلیل زن باید او را مراعات و تحمل کند.

پرسش ۱۴۳:

زنی می‌خواهد از شوهرش که محکوم به حبس ابد است جدا شود و دادگاه نیز این حکم را تأیید کرده است. مرد به خاطر فرزندانش حاضر به طلاق دادن نیست، زیرا می‌داند که حتی اگر از زندان آزاد شود زن حاضر به برگشتن به سوی او نیست. تکلیف این مرد چیست؟

پاسخ:

اگر منظور از پرسش این است که آیا شوهر باید همسرش را طلاق بدهد، پاسخ این است که بر او واجب نیست، و اگر پرسش از وضعیت زن و تکلیف او است، بهتر است که زن درنگ کند و با تأنی بیشتری در کارش بنگرد. به هر حال اگر اصرار بر طلاق دارد و شوهر حاضر به طلاق دادن نیست، زن باید مشکلش را به قاضی شرعی ارجاع دهد تا در آن نظر کند. محکمه شرعی انصار امام مهدی در نجف اشرف وجود دارد و می‌تواند قضیه‌اش را به آنجا ارجاع دهد؛ و ان شاء الله که خیر است.

پرسش ۱۴۴:

طلاق رجعی واقع شد و در ایام عده آن‌ها مجبور به ملاقات باهم شده‌اند و در این حین، میان آنها بوسه و لمس کردن با شهوت صورت گرفته درحالی‌که در نیت آنها رجوع نبوده است؛ زیرا تصور می‌کردند که رجوع با نزدیکی حاصل می‌شود. آنها پس از اتمام سه ماه از طریق کتاب «احکام نورانی اسلام» (شرایع الاسلام) فهمیده‌اند که رجوع با بوسه یا لمس کردن با شهوت نیز حاصل می‌شود (اگر او را ببوسد یا با شهوت لمس کند رجوع محسوب می‌شود. پیش از رجوع

لازم نیست زن را بر خودش حلال کند). آیا اکنون زن می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند یا هنوز در ذمه شوهر اول است؟

پاسخ:

خداوند شما را موفق و گام‌هایت را استوار بدارد. معنی این سخن: (اگر او را ببوسد یا با شهوت لمس کند رجوع محسوب می‌شود. پیش از رجوع لازم نیست زن را بر خودش حلال کند) این است که اگر این عمل بین آنها اجرا شود، با این کاری که آن دو کرده‌اند (بوسیدن یا لمس کردن با شهوت) رجوع اتفاق افتاده و فرقی ندارد که رجوع در نیت آنها بوده است یا نه و منظور از این سخن: (پیش از رجوع لازم نیست زن را بر خودش حلال کند) یعنی بوسیدن یا لمس کردن با شهوتی که بین آن دو به وقوع پیوسته، مباح است و نیاز نیست که پیش از آن رجوع به روش دیگری حاصل شده باشد؛ مثلاً پیش از آن مرد به زن بگوید «به تو رجوع کردم» زیرا خود بوسیدن و لمس کردن با شهوت، همان رجوع محسوب می‌شود. پس در این وضعیتی که این زن توصیف کرده، او ازدواج کرده محسوب می‌شود و حق ندارد ازدواج کند تا اینکه شوهرش او را طلاق دهد و دوباره عده نگه دارد یا اینکه به سوی شوهرش که اکنون بر ذمه اوست بازگردد.

پرسش ۱۴۵:

همسر من مؤمن به حق است و از من به دلیل نداشتن فرزند تقاضای طلاق دارد. من بعد از اینکه سه مرتبه جراحی لوله انجام داده‌ام از پزشکان ناامید شده‌ام. سؤال این است اکنون که او خواهان طلاق است، حقوقی که بر عهده من است که باید به او پردازم چیست؟

پاسخ:

احکام طلاق و خلع موجود است و می‌توانید به کتاب شرایع مراجعه کنید و من حقوق را با جزئیات در آنجا بیان کرده‌ام. اگر موردی واضح نبود می‌توانید سؤال کنید. خداوند شمارا موفق بدارد و گام‌هایتان را استوار کند؛ اما از آنجاکه شما مؤمن به حق هستید سعی کنید رابطه میان خود را نیکو گردانید و تا هنگامی که راهی برای فرزنددار شدن وجود دارد، دست از تلاش برندارید، که روزی به دست خداوند سبحان است.

پرسش‌های مربوط به خانواده ولی امر

پرسش ۱۴۶:

آیا ولی امر (پدر یا شوهر) حق دارد چیزی را بر دختر یا همسرش حرام کند؟ منظور نماز، روزه یا موارد شبیه به آنها نیست بلکه تحریم انجام فلان کار یا وجوب ترک فلان کار از امور دنیوی است؛ و اگر تحریم کند آیا انجام دادن آن برای من جایز نیست؟ و به‌طور کلی حقوق پدر بر پسرها و دخترها چیست؟

پاسخ:

هیچ کس نمی‌تواند آنچه خداوند حلال کرده است را حرام کند، اما جایگاه ولایت پدر مؤمن را بیان کرده‌ام مانند مسئله ازدواج، و حقوق شوهر و زن. که در کتاب شرایع توضیح داده شده است.

پرسش ۱۴۷:

سرپرست خانواده‌ای دچار بیماری آلزایمرِ حاد شده و اکنون چیزی را درک نمی‌کند و همسرش متکفل مخارج شده و به او گفته شده است که حق ندارد در اموال شوهر تصرف کند، مگر برای درمان و غذای او و دیگر امور شخصی. به این ترتیب امور به شدت در تنگنا قرار می‌گیرد و این باعث به وجود آمدن تنگناهای بسیاری برای زن مثل هزینه‌های مربوط به مهمان‌ها و دیگر امور منزل می‌شود؛ با توجه به اینکه همسر درآمد دیگری نیز ندارد.

مسئله دیگر: خانه در وضعیت بدی قرار دارد و زن (همسر) می‌خواهد آن را بفروشد و خانه دیگری بخرد و با اضافه مبلغ، درآمدزایی کند و سود آن را خرج خودش و شوهرش کند؛ آیا این کار جایز است؟

پاسخ:

جایز است که اموال شوهرش را در آنچه مورد رضایت خداوند است و همان‌گونه که شوهرش در ایام سلامتی هزینه می‌کرده است خرج کند؛ اما در مورد فروختن اموال مرد مثل خانه - جایز نیست مگر برای ضرورتی مثل درمان شوهرش.

تربیت کودکان

پرسش ۱۴۸:

در زمانه‌ای که لهو لعب بسیار شده است چگونه فرزندانمان را تربیت کنیم؟ چگونه آنها را به جای برنامه‌های تلویزیون - که سودی ندارد و چه بسا مضر هستند - متوجه قرآن کنیم؟

چگونه حسین و عباس و زینب (علیهم السلام) را در دل آنها جای دهیم؟
 چگونه آنها را از خطرهای رهایی بخشیم؟ خطرهایی مثل تکبر، منیت و چیزهای
 دیگر؟

وظیفه مادر برای اینکه فرزندش حسینی و شیعه حقیقی شود چیست؟
 بهترین راه تعامل با کودکان چیست؟

پاسخ:

تربیت صحیح، واجبی است که والدین متحمل آدای آن هستند. درباره اموری
 مثل بازی یا مشاهده تلویزیون یا حتی اینترنت و بازی‌های کامپیوتری و نظایر
 آنها، بر والدین واجب است که مراقب فرزندان‌شان باشند و آنها را از امور
 فاسدکننده بازدارند؛ مثلاً وقتی بچه برای بازی به سراغ اینترنت می‌رود باید زیر
 نظر والدینش باشد، ولی جایز نیست که او را از بازی یا کارهای کودکانه
 بازدارند؛ چراکه این کار در بزرگسالی تأثیراتی به دنبال خواهد داشت.

به علاوه بعضی از بازی‌ها جنبه آموزشی دارند. می‌توان کودک را به سمت
 بازی‌های مفید هدایت و تشویق کرد؛ مثلاً می‌توان او را به بازی‌های فکری یا
 بازی‌های حل معماهای هندسی یا شبیه آنها تشویق نمود. بسیاری از کودکان
 چنین توانایی‌هایی را دارند و این کار در نهایت منجر به تکامل گسترده قدرت
 عقلی آنها می‌شود. به علاوه این بازی‌ها می‌توانند باعث بازداشته شدن نوجوانان از
 فکر کردن به امور فاسد دیگر گردند.

می‌توان به کودک یا نوجوان، تحقیق کردن را آموخت تا یاد بگیرد و
 توانایی‌هایش ارتقا یابد. والدین می‌توانند او را به تحقیق درباره مباحث معین

علمی یا موارد مربوط به زندگی روزانه یا تاریخی تشویق کنند؛ اما در مورد امور دینی، به‌عنوان مثال کودک را وادار به بیشتر از نماز جماعت همراه با والدینش نکنید. آرام آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به‌تنهایی بخواند و در آن برای رفع نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است ارتباطش با خدا قوی می‌شود و ایمان آرام آرام در قلبش رسوخ می‌کند.

خدا را در همه‌چیز به یاد آنها بیاورید. هنگامی که با هم درگیر می‌شوند به‌عنوان مثال به یکی از آنها بگویید: با برادر یا خواهرت به نرمی رفتار کن تا خداوند تو را مثل انبیا -سلام و صلوات خداوند بر آنها- قرار دهد؛ و این‌گونه اخلاق پاک را در جان‌هایشان زنده و در عین حال کمال‌طلبی را نیز برایشان احیا کنید.

اگر یکی از آنها کار خوبی کرد به‌عنوان مثال نماز خواند یا طاعتی انجام داد- به او تبریک و سخن نیکو بگویید و بگویید: خداوند به تو عطا می‌کند، تو را مبارک می‌دارد و در حضور ملائکه‌اش از تو یاد می‌کند.

همچنین می‌توانید برنامه‌ روزانه برای آنها تنظیم کنید؛ مثلاً یک ساعت یا نصف ساعت برای حفظ سوره‌های کوچک قرآن، به این صورت که هرروز آن‌ها به دنبال شما بخوانند و به‌مرور سوره‌ها را حفظ خواهند کرد.

برای کودکان بالای ده سال برنامه‌ هفتگی تنظیم کنید؛ مثلاً سه یا چهار روز اجازه بازی نداشته باشند و حتی اگر به آنها اجازه ورود به اینترنت یا سرگرمی‌های غیردرسی می‌دهید برای امور علمی یا تاریخی یا خواندن کتاب یا خواندن موارد مخصوص درسی‌شان یا خواندن داستان‌های انبیا و ائمه (علیهم‌السلام) و شبیه آنها باشد. به این ترتیب با توجه و تنظیم زمان آنها نتیجه خوبی از آنها حاصل

می‌شود، اما با کوتاهی کردن، چه بسا منحرف شوند و شما زیان ببینید و در این صورت، زیان شما بزرگ خواهد بود. متأسفانه بسیاری از پدران مهاجر که دور از سرزمین‌های عربی زندگی می‌کنند با کوتاهی کردن در آموزش دادن آنها به زبان عربی و خواندن و نوشتن آن، در حق فرزندان خود بدی می‌کنند؛ درحالی‌که آنها می‌توانند هر روز ساعتی از وقتشان را برای آموزش دادن فرزندان خود به زبان عربی که در خواندن امور دینشان و اطلاع از جزئیاتش به آن احتیاج دارند صرف کنند و گمان نمی‌کنم کار مشکلی باشد، زیرا در زمانه ما کتاب‌ها و روش‌های آموزش اینترنتی به‌وفور یافت می‌شود و دسترسی به آنها به آسانی امکان‌پذیر است.

برخورد با مخالفان

پرسش ۱۴۹:

آیا جایز است توصیفات را که خداوند در قرآن کریم و در احادیث محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) برای مخالفین به‌کار برده است استفاده کنیم؟

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^(۱) (و حقا که بسیاری از جن و انس را برای جهنم بیافریدیم. اینان را دل‌هایی است که با آن نمی‌فهمند و چشم‌هایی است که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی است که با آن نمی‌شنوند. اینان همانند چهارپایان‌اند حتی گمراه‌ترند. اینان همان غافلان‌اند).

مثلاً کسی که ادعای علم دارد و فرق بین ناقه و جمل (شتر نر و ماده) را نمی‌داند، می‌آید و مشغول گفت‌وگو می‌شود و هنگامی که در پاسخ درمی‌ماند می‌خواهد از موضوع فرار کند تا بر موضوع دیگری اشکال بگیرد، در این هنگام ما نادانی او را روشن و او را رسوا می‌کنیم؛ اما آیا می‌توان به او گفت: تو چهارپا یا پست‌تر از چهارپا هستی؟

آیا جایز است کسی که ابراز دشمنی می‌کند و ناصبی است را فرزند زنا یا نجس‌تر از سگ‌های نجس بنامیم؟

آیا جایز است فقهای گمراهی را که ﴿حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا﴾^(۱) (تورات بر آن‌ها بار شد، اما به آن عمل نمی‌کنند) الاغ و سگ بنامیم؟

مردمان ناآگاه و ساده‌لوحی وجود دارند که می‌شنوند درحالی که خودشان حق را از باطل تشخیص نمی‌دهند و علت اینکه ما این نام‌ها را به کار می‌بریم را نمی‌دانند و فقط نامیده شدن با این اوصاف را می‌شنوند و سپس می‌گویند شما اخلاق ندارید و فحش می‌دهید و آیا این اخلاق انصار است و...؛ و...؛ و دشمنان نیز از این موضوع سوءاستفاده کرده، نزد پیروانشان و جاهلان آنان قیل‌و‌قال راه انداخته، قرآن‌ها را بر سرنیزه می‌کنند. این سنگی می‌شود سر راه برخی از مردم؛ بر سر راه کسانی که از این شخصیت‌ها تأثیر می‌پذیرند و حق را از جایگاهش نمی‌گیرند.

کار صحیح چیست؟

حدود تعامل و رفتار با این ناصبی‌ها، جاهلان یا گمراهان در برابر مردم

ساده دل چیست؟

پاسخ:

کسی را که به طور قطع و یقین تشخیص داده‌اید که مصداق کسانی است که خداوند آنها را به الاغ و شیه آن توصیف فرموده است، به طور قطع توصیف او به چنین صفاتی جایز است ولی بهتر است تنها به پیاده‌سازی قانون اکتفا شود. خداوند شمارا موفق و گام‌هایتان را استوار بدارد.

پرسش ۱۵۰:

ما خانواده‌ای شش نفره هستیم و استقلال مادی نداریم. نماز جمعه و عید حاضر نمی‌شویم و زکات فطریه نمی‌دهیم؛ زیرا سرپرست خانواده مؤمن نیست و او کسی است که از سوی ما پرداخت می‌کند. چند پرسش:

آیا نماز جمعه و عید بر ما واجب است؟

چگونه زکات مال را بدهیم؟ آیا هریک از ما از سوی خودش زکات بدهد؟ و اگر پول نداشته باشد، می‌تواند قرض بگیرد و بعداً قرضش را ادا کند؟ تکلیف سال‌هایی که گذشته و ما مؤمن بوده‌ایم و زکات نداده‌ایم چه می‌شود؟

آیا جایز است بدون اجازه سرپرست خانواده برای امور مربوط به دعوت خارج شویم؟

گاهی از فرزندانم می‌خواهد با او برای حضور در نماز جمعه یا عید یا بعضی مناسبت‌ها همراه مخالفان به مسجد بروند. کار درست چیست؟ رفتن یا نرفتن؟

پاسخ:

جایز نیست که انسان مؤمن پشت سر غیر مؤمن نماز بخواند. زکات و حقوق

شرعی تنها بر کسی واجب است که مالی برای ادای آن دارد، اما بر کسی که مالی ندارد واجب نیست. طاعت خدا را می‌توانید بدون باخبر کردن و اجازه گرفتن از شوهر یا پدر غیر مؤمن انجام دهید و به‌طور کلی در معصیت و نافرمانی از خالق هیچ اطاعتی از مخلوق وجود ندارد.

موارد متفرقه

پرسش ۱۵۱:

کیفیت نوشتن وصیت‌نامه برای یک شخص عادی چگونه است؟ و پرسش‌هایی در این رابطه وجود دارد:

۱- آیا شخص مکلف باید وصیت خاص وصیت عام بنویسد؟ وصیت خاص وصیت عام چیست؟

۲- فرض کنیم شخصی وفات یافته و ۱۰۰۰ دینار به ارث گذاشته است. آیا شخص متوفی نصیبی از این مبلغ برای غسل و تدفین و مراسم عزاداری دارد؟

۳- در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است که مکلف می‌تواند خمس (یک پنجم) تا ثلث (یک سوم) از مایملکش را برای خلیفه خدا در زمین وصیت کند. در اینجا چند پرسش مطرح می‌شود:

الف: آیا این مقدار خمس تا ثلث از مجموع اموال متوفی مثل پول

نقد، زمین و املاک است؟

ب: این مقدار از ارث (خمس تا ثلث) قبل از توزیع ماترک میان

همسر و پسران و دختران خارج می‌شود یا هم‌زمان با توزیع ماترک خارج

می گردد؟

۴- آیا حضور شهود در حین نوشتن وصیت واجب است؟ یا کافی است به شهود اعلام کند که وصیت نوشته شده و در فلان مکان است؟

پاسخ:

ان شاء الله جزئیات مربوط به وصیت را برایتان خواهم نوشت و بعد از آن اگر سؤالی داشتید در خدمتتان هستم.

پرسش ۱۵۲:

آیا ممکن است در بعضی شرایط، امام را فرزندی از فرزندانش دفن کند که جانشین بعد از آن امام نباشد؟ یا کسی دیگری از غیر اهل بیت او این کار را انجام دهد؟

پاسخ:

بله چنین چیزی ممکن است.

پرسش ۱۵۳:

حماد بن عثمان و دیگران از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود: (در شب، شعر نگو در شب و روز ماه رمضان نیز شعر نگو) اسماعیل به ایشان فرمود: پدر جان، این شعر درباره ما است! ایشان (علیه السلام) فرمود: (حتی اگر درباره ما باشد). حکم شعر گفتن در ماه رمضان چیست؟

پاسخ:

مشغول شدن به شعر گفتن به جای عبادت کردن در اوقات عبادت مثل شب

جمعه و ماه رمضان- مکروه است مثل کسی که در این اوقات مجلس مخصوصی برای شعر تشکیل دهد و در آن شعر سروده شود- و این کار در آن زمان رایج بوده است؛ اما اگر سرودن شعر برای بیان حق محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) و برای زمانی کوتاه در مجلسی معین باشد و به شکلی نباشد که مجلس خاصی برای شعر سرودن تدارک دیده شود، اشکالی در آن وجود ندارد و کراهتی ندارد و فرقی ندارد در شب جمعه یا ماه رمضان باشد؛ چراکه برای مدت‌زمان کوتاهی است به طوری که در آن مدت از عبادت و ذکر خدا در این اوقات مبارک (که شایسته است مؤمن مشغول عبادت خداوند سبحان و یاد او شود) باز نمی‌ماند.

پرسش ۱۵۴:

مرا در برابر بیماری‌های نفسانی و عقلی یاری دهید. دچار غم شدیدی هستم و بخشی از عقلم کاسته شده است. دچار هیستری و آشفتگی ذهنی هستم، حافظه‌ام کم شده و افکارم خارج از کنترل و ادراک است. پیشتر درمانی را که برای بیمارانی مثل من تجویز می‌شود انجام داده‌ام. این روشی است که بعضی از جوانانی که شراب‌خوار افراطی هستند (پناه‌برخدا) به کار می‌بندند؛ ولی این درمان افاقه نکرد و درمان قوی‌تری برایم تجویز کردند که مرا آرام می‌کند ولی باعث می‌شود کارهایی انجام دهم که از اراده و کنترلم خارج و از ادراک من به دور باشد. گاهی به خودم می‌آیم و خودم را درجایی می‌بینم که عقلم به یاد نمی‌آورد یا خود را در حال انجام امور شرم‌آور می‌بینم. آیا خوردن آن جایز است؟

پاسخ:

از خداوند می‌خواهم که با شفا بر تو منت بگذارد که او ارحم الراحمین است. برای شما بهتر است که از انصار امام مهدی در سوئد بخواهی که بر (ظرفی از) آب قرآن بخوانند و صورت و سرت را با آن بشویی و برای تو قرآن بخوانند؛ اما در مورد راه درمان، اگر پزشکان برایت تجویز کرده‌اند به آن پایبند باش و امید است که خداوند بر تو رحم کند و با شفا بر تو منت گذارد، ولی اول و آخر - شفاي تو به دست خودت است؛ پس باید قرار بگذاری که می‌خواهی شفا پیدا کنی و در آن هنگام نزد انصار امام مهدی بروی. اگر حسینه‌ای دارند در آنجا حاضر شو بگو برایت قرآن بخوانند و برایت دعا کنند و ان شاء الله خداوند با شفا بر تو منت می‌گذارد. از رحمت خدا ناامید نشو. خداوند تو را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد.

پرسش ۱۵۵:

نوعی استخاره الکترونیکی در اینترنت وجود دارد به این صورت که بعضی از سوره‌های قرآن را خوانده، سپس روی ماوس کلیک می‌کنیم و آیه‌ای برای شما نمایان می‌شود. آیا استخاره گرفتن با این روش‌ها صحیح است؟ با توجه به اینکه روش‌های مختلفی وجود دارند ولی همگی الکترونیکی هستند.

پاسخ:

بدون اینکه این مورد به‌طور دقیق مشخص شود نمی‌توان پاسخ داد. به‌طور کلی شما مجبور به این کار نیستید. شما می‌توانید قرآن را بخوانید و با قرآن استخاره بگیرید و به آنچه بالای صفحه سمت راست که برایتان می‌آید نگاه کنید؛ اگر بشارت بود بر خدا توکل کنید و اگر انداز و تحذیر و تهدید بود از آن

کار اجتناب کنید.

پرسش ۱۵۶:

توریه، یعنی شخصی سخنی بگوید و غیر از ظاهر آن را قصد کند؛ مثلاً بگوید «او برادر من است» و مقصودش برادر بودن در اسلام باشد یا نظایر آن. آیا ممکن است معنای توریه را با تفصیل بفهمیم؟ و اینکه آیا جایز است یا خیر؟

پاسخ:

توریه یعنی انسان حقیقت را از شخصی دیگر مخفی کند بدون اینکه دروغ بگوید، گویی او را در وضعیتی قرار دهد که چیزی غیر از آن واقعیت را متوهم شود. توریه در برابر کسی که گمان می‌رود باعث ضرر و زیانی برایش شود، جایز نیست و در این حالت فرقی بین توریه و دروغ وجود ندارد. توریه راهی برای دفع ضرر یا به دست آوردن منفعت است به گونه‌ای که از دروغ در برابر خداوند سبحان پرهیز شود.

این آخرین مطلبی است که از پاسخ‌های فقهی متفرقه امام احمد الحسن (علیه السلام) در این مجلد گردآوری کرده‌ام. از خداوند سبحان مسئلت دارم که او را در زمینش تمکین دهد و او را نصرتی شکست‌ناپذیر عطا فرماید و بندگان مؤمنش را از او بهره‌مند گرداند!

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمه و المهتدیین و سلم

تسلیمات کثیرا.

۵ ذی القعدة ۱۴۳۴ ه ق^(۱)